



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



غدير

در بیانات مقام معظم رهبری مد ظله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر در بیان مقام معظم رهبری "مد ظله العالی"

نویسنده:

آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (دام ظلّه)

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	غدیر در بیان مقام معظم رهبری "مد ظله العالی"
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۹	گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با هیئت امنای بنیاد بین المللی غدیر
۹	معنای غدیر
۱۰	راه تمسک حقیقی به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۱	شهر الولایه
۱۱	عیدی بزرگ‌تر از سایر اعیاد
۱۱	غدیر، عیدی حقیقی
۱۱	نقش غدیر در مدیریت جوامع انسانی
۱۲	غدیر، عید ولایت، سیاست و دخالت مردم در حکومت
۱۳	غدیر، امضا و اثبات فضایل و ارزش‌های امیرالمؤمنین
۱۳	غدیر، نتیجه فضایل و کمالات امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۳	غدیر، صحنه تشبیت ارزش‌ها
۱۴	غدیر، زمینه‌ساز استمرار حرکت پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله
۱۵	رشح‌های از رشحات ولایت در اسلام
۱۶	حقایق نهفته در غدیر
۱۶	ابعاد گوناگون غدیر
۱۷	غدیر یک مسأله اسلامی و نه فقط شیعی
۱۷	روز طرح رسمی و صریح ولایت
۱۸	امتداد خط همه رسالت‌های الهی
۱۸	الگوی فراموش نشدنی حکومت

- موضوع غدیر در تحلیل تاریخی حوادث صدر اسلام ۱۹
- غدیر، شروع روندی برای رسیدن بشریت به مرحله‌ای بالاتر ۱۹
- غدیر نشانه اتمام اسلام، به مدیریت جامعه ۲۰
- پیام غدیر، مسأله نصب حاکم است ۲۰
- غدیر و استقرار عدالت اسلامی ۲۱
- ضرورت ایستادگی بر معیار و میزان‌های غدیر ۲۲
- تعیین کننده‌ترین مسأله هر ملت ۲۳
- تفاوت اساسی جامعه اسلامی با دیگر جوامع ۲۳
- غدیر، نسخ سفسطه جدایی دین از سیاست ۲۴
- شاخصه نظام اجتماعی و سیاسی اسلام ۲۵
- ولایت، یعنی حاکمیت انسان‌های پارسا ۲۶
- مسأله ولایت در اسلام ۲۷
- غدیر مصداق عینی ولایت ۲۹
- غدیر، مضمونی متعلق به همه مسلمانان ۲۹
- غدیر، نور هدایت، برای همه و همیشه ۳۰
- مفهومی الهام بخش و نجات دهنده ۳۰
- غدیر، مایه وحدت اسلامی ۳۱
- غدیر و رشد و هدایت جهان اسلام ۳۲
- طرح کلی اسلام برای هدایت انسان‌ها ۳۲
- درس فراموش نشدنی غدیر ۳۳
- درس غدیر در دو قلمرو اساسی ۳۳
- انقلاب اسلامی، تداوم راه غدیر ۳۴
- ولایت امام خمینی، پرتوی از چشمه فروزنده خورشیدی غدیر ۳۴
- بیست و دوم بهمن در حکم عید غدیر ۳۵

- ۳۵ ضرورت استفاده حداکثری از غدیر
- ۳۵ مسؤلیت مسؤلان در قبال غدیر
- ۳۶ دو مفهوم مهم غدیر
- ۳۶ فهرست منشورات غدیر
- ۳۷ پی نوشتها
- ۳۸ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

غدیر در بیان مقام معظم رهبری "مد ظله العالی"

مشخصات کتاب

سرشناسه: خامنه‌ای علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران ۱۳۱۸، Khamenei, Ali. عنوان و نام پدیدآور: غدیر در بیان مقام معظم رهبری "مد ظله العالی" / تهیه و تنظیم حسین احمدی. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۸۷ ص شابک: ۰ - ۲۴۸ - ۹۷۳ - ۹۶۴ - ۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا موضوع: خامنه‌ای علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - نظریه درباره غدیر خم موضوع: Views on Day of Ghadir, ۹۳۹۱ - -- Khamene'i, Ali, Leader of IRI, - - Messages & Khum موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - - - پیامها و سخنرانی‌ها موضوع: Speech Khamene'i, Ali Leader of IRI, ۹۳۹۱ - - - موضوع: غدیر خم شناسه افزوده: احمدی، حسین، ۱۳۴۱ - شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۸ غ۴غ۴ / DSR ۱۶۹۲ رده‌بندی دیویی: ۰۸۴۴۰۹۲/۹۵۵ شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۸۰۰۳۸

مقدمه

غدیر بر که نیست، اقیانوس بی کرانی است که در زلال همواره جاری آن طهارت روح میسر و حیات طیبه انسانی ممکن می‌شود. غدیر یک حادثه نیست، مؤلفه‌ای از هندسه طرح‌ریزی شده هستی است که انتهای خط رسالت را به امتداد ضرورت هدایت پیوند می‌زند. غدیر یک معرفی نیست، تجسم عینی تمامیت معرفت ممکن الحصول انسان است که از زبان وحی به آدمی ارزانی می‌شود. غدیر نقطه آشکار ساز پیوند بی گسست نبوت و امامت است. غدیر بیانگر فلسفه سیاسی اسلام و اعلان رسمی شاخصه‌های تشکیل دهنده حکومت الهی و مقایسه آن با سایر انواع حکومت‌ها است. غدیر پیام نور است و عدالت، پاکی است و تقوی و علم است و بصیرت. و غدیر تصویرگر نظامی است که بر مبنای دستور الهی با هدف تعالی انسان و انسانیت، نوید دستیابی به جامعه‌ای خدایی را نوید می‌دهد. و خداوند در روزی بی نظیر دین را تکمیل و نعمت خویش را بر مؤمنین تمام و کافران را مایوس نمود. در غدیر خم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بنا به فرموده «بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ» رسالت خویش را ابلاغ کردند و حضرت علی علیه السلام را به عنوان ولی المؤمنین معرفی کردند. در مختصات چند بعدی وجود مقدّس او میل به بی‌نهایت می‌کرد. همان که برای رسول الله صلی الله علیه و آله «كالصنو من الصنو و الذراع من العضد» بود. او که در پیروی دقیق و کامل از رسول الله صلی الله علیه و آله چون «فصیل اثر امه» گام بر می‌داشت و او که برادر، نخستین ایمان آورنده و بزرگ‌ترین حامی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بود، به امامت ائمت منصوب شد. امام علی علیه السلام مجمع غیرقابل تکرار همه ارزش‌ها و فضیلت‌ها، میزان الاسلام، قرآن مجسم و در یک کلام حدّ اعلاّی مقام عبد اللهی بود و این عظمت و عزّت خود دل‌های آدمیان را به سوی او جذب می‌کرد و چه کسی سزاوارتر از او به جانشینی پیامبر؟ دل‌های پاک، عاشق و خدا خواه، ذهن‌های جستجوگر آزادگی و انسانیت، کام‌های تشنه عدالت و چشم‌های بینا به سوی او متمایل بود. آیات بسیاری از قرآن کریم و تصریحات و اشارات فراوان رسول الله بر قطعیت اراده الهی مبنی بر ولایت او گواهی می‌داد امّا غدیر خم عرصه ظهور و بروز حجتی قاطع و نقطه ختم تمامی تردیدها و تشکیک‌های احتمالی و عرصه ابلاغ پیامی تاریخی ساز و انسان آفرین برای همه عصرها و نسل‌ها بود. نقاط عطف تاریخ به نسبت گستره زمان و مکان، نوع، میزان و جهت تأثیر گذاری در حیات فردی و اجتماعی بشر اهمیت و ارزش در خور خود می‌یابند و غدیر از این جهت جز با اصل نبوت و نیز بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با هیچ برهه‌ای از تاریخ و با هیچ حادثه عظیمی قابل مقایسه نیست. اعلام انتصاب شخصیتی بی نظیر به منصب ولایت، تعیین گزینه‌ای بی‌بدیل و با فاصله‌ای غیر قابل تصور از سایرین، به عنوان

جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و آغاز دوره‌ای نوین در زندگی بشر که امامت امتداد نبوت می‌شود، تعیین تکلیف مردم، تبیین حکومت، سیاست و نوع اداره جامعه پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله و اعلام ارزش‌ها و فضایی که مدیران و رهبران جوامع باید واجد آنها باشند، حاکی از اهمیت ارزشمندی و والایی غدیر و تأثیر عظیم آن در زندگی بشر بوده و هست. و بر همین اساس روز غدیر عید الله اکبر است. گرامیداشت غدیر بزرگ شماری یک روز تاریخی نیست، بلکه فریاد کردن دوباره آرمان‌ها، تمسک دوباره به حبل المتین هدایت، اعلام وفاداری و تعلق گسست ناپذیر به خط نبوت و ولایت، افتخار به شیعه علی بودن و نشان دادن تنها طریق دستیابی به عزت، عدالت، کرامت و نجات است. و این است که در دوران حاضر که انقلاب اسلامی با رهبری الهی امام خمینی رحمه الله و سپس هدایت و سکانداری مقام معظم رهبری، از برکت غدیر و در راستای اهداف آن دوباره پرچم ولایت علوی در سراسر جهان به اهتزاز درآورده است، بیان حقیقت غدیر، طرح پیام یا مجموعه پیام‌های غدیر، توسعه فرهنگ غدیر و گرامیداشت غدیر وظیفه‌ای اسلامی، انقلابی و انسانی است و این واقعیتی است که قدر غدیر هنوز ناشناخته است. مجموعه حاضر گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) پیرامون ابعاد مختلف عید سعید غدیر است که می‌تواند به توسعه و تعمیق معرفت نسبت به عید الله اکبر بینجامد. ان شاء الله. الحمد لله الّذی جعلنا من المتمسکین بولایه علی بن ابی طالب علیه السلام مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران و دبیر اجرایی بنیاد بین المللی غدیر استان قم حسین احمدی

گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با هیئت امنای بنیاد بین المللی غدیر

۱. خیلی متشکرم از برادران عزیزی که برای بزرگداشت غدیر بنیادی تشکیل داده‌اند و تلاش‌هایی شروع کرده‌اند. ۲. کارهایی که به عشق علی علیه السلام انجام گیرد دل‌ها را جذب می‌کند. ۳. همه دنیا ما را با نام علی علیه السلام می‌شناسند. ۴. در کار غدیر باید هدف را مشخص کرد. بنشینید و واقعاً روی مسائل فکر کنید، برای این کار وقت بگذارید. ۵. در کار فرهنگی غدیر باید مانند علامه امینی و مرحوم سید شرف الدینی کار کرد که الغدیر و المراجعات را تحویل دادند. ۶. تلاش و مبارزه فرهنگی قوی برای مقابله با تلاش‌های فرهنگی ضد شیعه یک ضرورت است. ۷. کتاب الغدیر مهجور است باید به دنیا معرفی شوند، الغدیر شامل صدها موضوع و کتاب است. ۹. موضوعات و مطالب الغدیر باید به صورت جزوه و کتاب مستقل در بیاید و همه عالم را پر کند. ۱۰. ببینید امروز مخاطبین تان چه کسانی هستند؟ نسل جوان را در نظر بگیرید. خطبه‌ها و سخنان علی علیه السلام را باید به شکل مناسب و قابل فهم به صورت موضوعی و دسته‌بندی در اختیار جوانان و سایر طبقات قرار داد. ۱۱. کار با فکر و برنامه انجام بگیرد و واقعاً یک کار درست و حسابی به نام مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام بشود. ۱۲. کسانی به درد کار غدیر می‌خورند که اهل این کار باشند و کار در مورد غدیر باید عمیق و گسترده باشد. ۱۳. کار در موضوع غدیر باید پیوسته و دائم باشد و در مورد غدیر باید متخصص تربیت کرد. ۱۴. کار در مورد غدیر باید یک منظوره باشد (فقط غدیر) ۱۵. کار مربوط به غدیر، کاری بزرگ و پر جاذبه است. ۱۶. ان شاء الله خدای متعال به شما توفیق بدهد این کار بزرگ، خوب و پر جاذبه را انجام دهید.

معنای غدیر

تلاش‌هایی که انسان‌ها می‌کنند، بعضی مربوط به مسائل شخصی آنهاست که بخش کوچک‌تری از فعالیت‌های انسانی را شامل می‌شود - مثل معیشت و معنویت و عواطف و ارتباطات شخصی آنها با این و آن - اما بخش بزرگ‌تر فعالیت‌های انسانی، فعالیت‌هایی است که در صحنه جامعه با تلاش جمعی صورت می‌گیرد، که به آن «سیاست» می‌گویند؛ سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های اجتماعی، سیاست‌های نظامی، سیاست‌های فرهنگی، سیاست‌های مدنی، سیاست‌های بین‌المللی. اینها بخش عمده

تلاش انسان‌ها در زندگی خود است. چرا عمده است؟ چون این سیاست‌ها در واقع افراد را در فعالیت‌های شخصی خود به سمت و سوی خاصی می‌کشاند. عمده تلاش انسان، تلاش کلانی است که جهت‌گیری‌های کلی فعالیت‌های شخصی و ریز و کوچک را هم جهت می‌دهد. دین، به هر دو صحنه مربوط می‌شود؛ هم صحنه تلاش‌های فردی انسان، هم صحنه سیاست که صحنه بسیار گسترده و وسیعی برای زندگی انسان است. دو آفت، هم دینداری را تهدید می‌کند و هم سیاست را. یکی از آفت‌های دینداری این است که دینداری یک جامعه یا یک شخص، با انحراف یا بی‌مبالاتی یا تحجر و جمود یا فراموش کردن نقش عقل یا التقاط و از این چیزها همراه شود. آفت دیگر دینداری این است که دین به زندگی شخصی محدود شود؛ عرصه وسیع زندگی جمعی انسان‌ها و جامعه را فراموش یا درباره آن سکوت کند و از آن کناره بگیرد. دو خطر هم سیاست را تهدید می‌کند: یکی این است که سیاست از اخلاق فاصله بگیرد و از معنویت و فضیلت خالی شود؛ یعنی شیطنت‌ها بر سیاست غلبه پیدا کنند؛ هواهای نفسانی اشخاص، سیاست را قبضه کند؛ منافع طبقات زورگو و زر سالاران جوامع، سیاست را به دست گیرد و به این سمت و آن سمت بکشاند. اگر این آفت به سیاست خورد، آنگاه همه صحنه اجتماعی انسان‌ها دچار عیب و آفت می‌شود. آفت دیگر سیاست این است که انسان‌های کوتاه بین، کودک منش و ضعیف، سیاست را در دست گیرند و زمام سیاست از دست‌های پُر قدرت خارج شود و به دست انسان‌های بی‌کفایت بیفتد. راهکار چیست؟ بهترین شکل و راهکار این است که در رأس سیاست و اداره امور جوامع، کسانی قرار گیرند که دینداری و سیاست‌گذاری آنها این دو آفت را نداشته باشد؛ یعنی کسانی اداره امور جوامع را برعهده گیرند که دیندار و دارای معنویت باشند؛ فکر دینی آنها بلند باشد؛ از انحراف و خطا و التقاط و کج بینی در دین مصون باشند؛ از تحجر و جمود و متوقف ماندن در فهم دین برکنار باشند؛ دین را ملعبه دست زندگی خود نکنند؛ از لحاظ سیاست، انسان‌های باکفایت و با تدبیر و شجاعی باشند و سیاست را از معنویت و اخلاق و فضیلت جدا نکنند. چنین کسانی اگر زمام امور یک جامعه را به دست گرفتند، آنگاه جامعه از بیشترین خطراتی که ممکن است برای آن پیش بیاید، محفوظ خواهد ماند. اوج چنین وضعیتی کجاست؟ آنجاست که یک انسان معصوم از خطا و اشتباه در رأس قدرت سیاسی و دینی قرار گیرد. امام یعنی این. امام معصوم، انسان والایی است که از لحاظ دینی، قلب او آینه تابناک انوار هدایت الهی است؛ روح او به سرچشمه حتی متصل است؛ هدایت او، هدایت خالص است؛ از لحاظ اخلاق انسانی، رفتار و اخلاق او صد در صد همراه با فضیلت است؛ هوای نفس در او راهی ندارد؛ گناه بر او چیره نمی‌شود؛ شهوت و تمایلات انسانی، او را مغلوب خود نمی‌کند؛ خشم و غضب، او را از راه خدا دور نمی‌کند؛ از لحاظ سیاسی، بینش وسیع او آنچنان است که آرام‌ترین حرکات و ریزترین حوادث را در صحنه زندگی جامعه، با چشم تیزبین خود می‌بیند - که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) فرمود: «والله لا اکون کالضبع تنام علی طول اللدم؛ یعنی من کسی نیستم که بشود با لالایی او را خواب کرد» - در مواجهه با حوادث زندگی و وقایع کمرشکن، از خود شجاعت و اقتدار روحی و معنوی نشان می‌دهد؛ جانش برای او ارزشی ندارد، اما برای جان انسان‌ها، حتی مردم دوردست، حتی زنانی که جزو پیروان دین نیستند، ارزش قائل است و می‌گوید اگر کسی از غصه دق کند، حق دارد. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در مقابله با خطرهای آنچنان شجاعانه عمل می‌کند که می‌گوید کسی نمی‌توانست با فتنه‌ای که من چشم آن را در آورم - منظور، فتنه خوارج است - یا فتنه ناکثین در افتد. آن معنویت و دین و اخلاق و فضیلت از یک طرف، آن بینش عمیق و شجاعت و فداکاری و عواطف رقیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه اینها ناشی از عصمت است؛ چون خدای متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد. اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه رسالت هاست. این معنای غدیر است. در غدیر، چنین کاری اتفاق افتاد. (۱)

اگر ما هم بخواهیم حقیقتاً از متمسکین به ولایت امیرالمؤمنین باشیم، باید خودمان و محیط زندگی مان را به عدل نزدیک کنیم. بزرگ‌ترین نمونه این است که هرچه بتوانیم، استقرار عدل کنیم. چون دامنه عدالت نامحدود است. هرچه بتوانیم عدل را در جامعه بیشتر مستقر کنیم، شباهت ما به امیرالمؤمنین و تمسک ما به ولایت آن بزرگوار بیشتر خواهد شد. (۲)

شهر الولاية

علت اهمیت غدیر، مسأله ولایت است. در این ماه - ذی حجه الحرام - هم عید غدیر را داریم و هم روز مباهله را که آن هم اشاره روشنی به مسأله ولایت است. به خاطر این دو خاطره - که هر دو مربوط به ولایت است - بعضی از بزرگان، این ماه را «شهر الولاية» و افضل ماهها دانسته‌اند. (۳)

عیدی بزرگ‌تر از سایر اعیاد

عید غدیر، حقیقتاً یکی از عظیم‌ترین اعیاد اسلامی است و بنابر بعضی از روایات، بزرگ‌تر از اعیاد دیگر است و در این باب که فضیلت عید غدیر نیست به دیگر اعیاد، چقدر افزون‌تر است، روایات معتبری هم داریم. (۴)

غدیر، عیدی حقیقی

مسأله غدیر؛ یعنی گزینش علم و تقوا و جهاد و ورع و فداکاری در راه خدا و سبقت در ایمان و اسلام و تکیه روی اینها در تشخیص و تعیین مدیریت جامعه. این قضیه، یک قضیه ارزشی است. به این معنا، غدیر نه برای شیعیان، بلکه برای همه مسلمانان، آموزنده و حاوی درس است و می‌تواند مورد تجلیل و تکریم قرار بگیرد. عید غدیر، حقیقتاً برای مردم عید است؛ چون به یاد آورنده یک امر حساس و مهم است. امروز گرفتاری‌های عمده ملت‌ها در دنیا، گرفتاری ناشی از مدیران و دست‌های گرداننده جامعه است. آنها فاسدند که فساد در دولت‌ها، ریشه همه ارزش‌ها و اصالت‌ها را می‌کند و از بین می‌برد. آنها فاسدند که ملت‌ها، ذلیل و برده و نوکر صفت بار می‌آیند. آنها فاسدند که قدرت‌های شیطانی، بر ملت‌هایشان تسلط پیدا می‌کنند. آنها فاسد و بی‌بند و بارند که در متن جوامع شان، ایمان به کلی رخت بر می‌بندد. امروز، این بلای عمومی جوامع غربی است؛ بلای بی‌ایمانی و سردرگمی و عدم تکیه روحی به یک نقطه مطمئن و بقیه انواع فساد‌هایی که در دنیا هست. چیز خیلی خطرناک و بلای بزرگی است و همین نقطه، جوامعی را که به آن دچار هستند، به باد فنا خواهد داد. این ظواهر، تعیین کننده نیست. این مهم است که آحاد یک ملت، بر گرد یک محور ایمانی جمع نشده باشند.

نقش غدیر در مدیریت جوامع انسانی

البته آقایان و به خصوص مسؤولان، این نکته را توجه داشته باشند که اگر ما بر نقش مدیریت و سرپرستی در جامعه اسلامی تکیه می‌کنیم و آن را تعیین کننده معرفی می‌نماییم، با یک گزینش، قضیه تمام نمی‌شود. اینطور نیست که یک شخص، در رأس برگزیده بشود و شرایط لازم را داشته باشد، بعد دیگر همه چیز به خودی خود، حل خواهد شد. تأثیر مدیران بالا در سرنوشت جامعه هم تا حدود زیادی از این جهت است که مدیر برتر و بالاتر، این قدرت را دارد که دست‌ها و ایادی چرخاننده چرخ‌های کشور را سالم انتخاب بکند؛ یعنی سلامت آنها، جزو سلامت دستگاه حکومت است. وقتی امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه الصلاة و السلام) در رأس حکومت قرار می‌گیرد، تمام شاخه‌های مدیریت در جامعه، به طرف صلاح حرکت می‌کند؛ به طوری که اگر یک توشه از مجموعه این دستگاه مدیریت، ناسالم و ناپاک و غیر منطبق با معیارها باشد، برای قطع و قلع و قمع آن، امیرالمؤمنین علیه

السلام جنگ چندین ماهه را بر خودش هموار می‌کند. یعنی مجموعه دستگاه مدیریت کشور، باید علوی باشد. آن دستگاهی که حکومتش به شکل ولایت است، ارتباط بین ولی و مردم، غیر قابل انفکاک می‌باشد. ولایت، یعنی سرپرستی، پیوند، ارتباط، اتصال، به هم پیچیده شدن دو چیز، به هم جوشیدگی و به هم پیوستگی کسانی که با یکدیگر ولایت دارند. معنا و شکل و مفهوم ولایت در جامعه و نظام اسلامی، این است. از این جهت، در جامعه اسلامی، کلمه ولایت به حکومت اطلاق می‌شود و رابطه بین ولی و مردم، یک رابطه ولایتی است و ارتباط و اتصال آنها، غیر قابل انفکاک می‌باشد و تمام اجزای این جامعه، با یکدیگر متصلند و از هم جدا نیستند. قضیه، مثل دستگاه‌های سلطنت، دستگاه‌های قدرت و کودتاجی‌هایی که بر یک جامعه مسلط می‌شوند، نیست. در جامعه اسلامی، دستگاه مدیریت و حاکمیت جامعه، همه و همه، متکی به مردم، جزو مردم، همراه با مردم، متصل به مردم - به تمام معنای اتصال - هستند و جدا نیستند. آنجایی که دستگاه‌های حکومت، به راهی می‌روند و مصالح مردم، به راه دیگری، به خاطر همین احساس جدایی است. مصالح دستگاه حاکم، یک چیز است؛ مصالح مردم، یک چیز دیگر. مصالح دستگاه حاکم، پیوند با آمریکا و قدرت‌های مسلط و استعمارگران و غارتگران منابع نفتی و این چیزهاست - همچنان که در دوران رژیم منحوس پهلوی، در کشور ما بود و امروز در خیلی از کشورهای دیگر هست - مصالح مردم، یک چیز دیگر است. مصالح مردم در این است که آن دستگاه حاکم و آن نوکران و پیوستگان بیگانه را از سر راه کمال خودشان بردارند. مصالح این دو، به کلی در دو جهت قرار دارد. لیکن در نظام اسلامی، اینطور نیست. در نظام اسلامی، حاکم، ولی و دوست و سرپرست و برادر و مرتبط و برای مردم است. این، یکی از افتخارات جمهوری اسلامی است که توانسته ولایت اسلامی را پیاده کند. ما هنوز نتوانسته ایم خیلی از احکام اسلامی را به طور کامل تحقق ببخشیم. یک جامعه، به طور کامل اسلامی بشود، زمان زیادی لازم است؛ لیکن بحمدالله مسأله حکومت و ولایت، در جامعه اسلامی ما تحقق بخشیده شد. شکل اسلامی، علی رغم طرد و نفی و بغض و عناد قدرت‌های جهانی، در جامعه ما پیاده شد. دشمنان اسلام، مخالفت هم کردند؛ اما بحمدالله روز به روز در جامعه ما، ثابت تر و درخشان تر و ماندگارتر شده است. ما مسؤولان و وظیفه داریم که ولایت الهی و اسلامی را در جامعه خودمان، در شکل پر جاذبه آن، برای انسان‌های مشتاق و محروم، هر چه بیشتر تحقق ببخشیم. قدم اول این است که از راه مردم جدا نشویم و فراموش نکنیم که همین مردم، پا برهنگان، طبقات ضعیف، این کسانی که در معیارهای مادی جوامع، چیزی به حساب نمی‌آیند، صاحبان اصلی کشورند و پیروزی‌های این انقلاب و این کشور و عزت ایران، به خاطر فداکاری‌های آنان به دست آمده است. فراموش نکنیم که این مردم بودند که اسلام را برای این کشور الهی و اسلامی خواستند و اراده کردند و آن را تحقق بخشیدند. از مردم جدا نشوید. (۵)

غدیر، عید ولایت، سیاست و دخالت مردم در حکومت

امام راحل بزرگوار ما، بزرگ‌ترین حق را از این ناحیه به گردن امت اسلامی دارد که آحاد مردم را به مسؤولیت خودشان که دخالت در امر حکومت است، متنبه و واقف کرد. از این روست که در نظام اسلامی، هر کس متدین به عقیده و شریعت اسلامی باشد، در امر حکومت دارای مسؤولیت است. هیچ کس نمی‌تواند خود را از موضوع حکومت کنار بکشد، هیچ کس نمی‌تواند بگوید: «کاری انجام می‌گیرد؛ به من چه؟!» در موضوع حکومت و مسائل سیاسی و مسائل عمومی جامعه در نظام اسلامی، «به من چه» نداریم! مردم برکنار نیستند. بزرگ‌ترین مظهر دخالت مردم در امور حکومت، غدیر است. خود غدیر این را به ما آموخت و لذاست که عید غدیر، عید ولایت است، عید سیاست است، عید دخالت مردم در امر حکومت است، عید آحاد ملت و امت اسلامی است. این عید، مخصوص شیعه هم نیست. جا دارد و حق آن است که همه امت اسلامی، این روز را برای خودشان عید بدانند. غدیر، عید امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) هم هست و شیعیان آن حضرت، به طور ویژه از این عید استفاده می‌کنند. (۶)

غدیر، امضا و اثبات فضایل و ارزش‌های امیرالمؤمنین

در روز غدیر، این حرکت عظیمی که طبق روایات متواتره، به وسیله نبی اکرم صلی الله علیه وآله انجام شد، دارای ابعاد بود. البته یک بعد، فضیلت امیرالمؤمنین بود. مردم هم می‌دانستند و از نزدیک این فضایل را در آن بزرگوار مشاهده می‌کردند. پیامبر اکرم، و در واقع اراده الهی هم همان فضایل و ارزش‌ها را معتبر دانست و براساس آن ارزش‌ها، ولایت و حاکمیت بعد از پیامبر را تعیین کرد. معلوم شد آن کسی می‌تواند در مرتبه حکومت بر مسلمین قرار بگیرد، که دارای آن ارزش‌ها باشد. لازم نبود که پیامبر اکرم، فضایل امیرالمؤمنین را در آن روز بیان کند؛ مردم می‌دانستند. «ابن ابی الحدید» می‌گوید: فضایل علی بن ابی طالب به طوری در آن روز برای مردم واضح بود که بعد از رحلت پیامبر، احدی از مهاجران و اغلب انصار شک نداشتند که مسأله خلافت بر علی قرار خواهد گرفت؛ یعنی در نظر آنان جزو مسلمات بود. در موارد دیگر، خود رسول اکرم هم راجع به امیرالمؤمنین چیزهای زیادی فرموده است. آنچه از طرق ما شیعیان و نیز از طریق اهل سنت روایت شده، متواتر است. خیلی از فضایل را به شکل متواتر، هم شیعه و هم سنی روایت کرده‌اند؛ مخصوص شیعه نیست. حتی یکی از مورخان قدیمی مشهور - «ابن اسحاق» صاحب سیره معروف - می‌گوید: پیامبر به امیرالمؤمنین فرمود: اگر بیم این را نداشتیم که مردم در باب تو حرف‌هایی بزنند که پیروان عیسی درباره او زدند، چیزی را درباره تو می‌گفتم که هر جا عبور می‌کنی، مردم خاک زیر پای تو را به عنوان تبرک بردارند. این روایت شاید از طرق شیعه هم نقل شده باشد؛ من ندیده‌ام. «ابن ابی الحدید» از «ابن اسحاق» نقل می‌کند؛ یعنی کسانی که معتقد به نصب امیرالمؤمنین هم نیستند اما این حرف‌ها را در فضایل آن حضرت دارند. این، یک بعد واقعه غدیر است؛ یعنی امضاء و اثبات فضایل و اینکه این فضایل و ارزش‌ها، به حکومت و به این ارزش قراردادی در جامعه اسلامی منتهی می‌شود. این بعد، بعد بسیار مهمی است و معلوم می‌شود که در اسلام، طبق دید پیامبر و وحی الهی، حکومت تابع ارزش‌هاست؛ تابع چیزهای دیگر نیست. این خود، یک اصل اسلامی است. (۷)

غدیر، نتیجه فضایل و کمالات امیرالمؤمنین علیه السلام

حقیقتاً روز بزرگ و عید تعیین کننده و عظیم القدری است. این روز، هم از لحاظ شخصیت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) - در ابعاد این شخصیت عظیم و خصوصیات شخصی و سیاسی و اجتماعی که در این مرد الهی و ملکوتی وجود داشت، نه در زمان نبی اکرم (علیه و علی آله الصلاة و السلام) و نه بعد از او، غیر از امیرالمؤمنین کسی را با این خصوصیات سراغ نداریم - قابل اعتنا و توجه و بررسی است، و هم از لحاظ خود این حادثه و نصب عجیب. در مورد امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام)، همه کسانی که از روی مدارک با حالات آن بزرگوار آشنایی دارند، باید اقرار کنند که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام)، به واسطه غدیر به شخصیت والای خود نرسید. غدیر چیزی نبود که گوهر نیاب امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) را شکل دهد. غدیر، نتیجه فضایل، مزایا و کمالات آن حضرت بود. البته افتخار برخوردار از فرمان الهی، از نصب پیغمبر و از بیعت مؤمنین و صحابه، افتخار بزرگی است. اما بزرگ‌تر از آن، خصوصیتی است که در این انسان والا و بی نظیر وجود داشت، که به چنین حادثه و دستور نصبی از طرف پروردگار منتهی شد. (۸)

غدیر، صحنه تثبیت ارزش‌ها

آنچه که در ماجرای غدیر از دیدگاه مطالعه کنندگانی از قبیل ما می‌شود فهمید، مضمون این نصب الهی در باب کیفیت اداره کشور و گزینش انسان‌های صالح برای مسئولیت‌های بزرگ است. البته کسانی که اهل بینش عالی عرفانی حق شناسانه هستند و

دلشان با منابع نور و معرفت متصل است، ای بسا حقایق دیگری را هم در این ماجرا می‌فهمند. آنچه ما در این ماجرا احساس می‌کنیم، این است که با نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) در روز غدیر، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور پروردگار، این حقیقت را از اسلام آشکار کرد که مسؤولیت بزرگ اداره جامعه در نظام اسلامی، چیزی نیست که نسبت به معیارهای اسلامی، بشود درباره آن از موردی صرف نظر کرد. در این کار بزرگ، صددرصد باید معیارها و ارزش‌های اسلامی در نظر گرفته شود. بالاتر از امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) کیست؟ همه خصوصیتی که از نظر اسلام، ارزش است و البته از نظر عقل سالم توأم با انصاف هم، همان‌ها ارزش محسوب می‌شود، در امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) جمع بود. ایمان او، اخلاص او، فداکاری و ایثار او، تقوای او، جهاد او، سبقت او به اسلام، بی‌اعتنایی او به هرچه غیر خدا و هرچه غیر از هدف خدایی، بی‌اعتنایی او به زخارف مادی، بی‌ارزش بودن دنیا در نظر او، علم او، معرفت او و اوج انسانیت در او از همه ابعاد، خصوصیتی است که در زندگی امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) واضح است. ادعای این حرف‌ها، مخصوص شیعه هم نیست. همه مسلمین و مورّخین و محدّثینی که درباره امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) خواسته‌اند به انصاف حرف بزنند، همین خصوصیات و بیش از اینها را بیان کرده‌اند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، در آن روز در مقابل چشم کسانی که این خصوصیات را در امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) می‌شناختند، او را به منصب ولایت نصب کرد. معنای این نصب، اهمیت دادن به آن معیار هاست. این همان نکته‌ای است که باید در نظام و جامعه اسلامی، تا قیام قائم مورد نظر همه باشد. اگر مسلمین در طول تاریخ نتوانسته‌اند از مواهب اسلامی به طور کامل بهره ببرند، به دلیل نقیصه بزرگ ناشی از نشناختن معیارها بوده است. آن کس که در دل خود ایمان دارد و در عمل خود، آنچه را لازمه ایمان است رعایت می‌کند، حقیقتاً عزیز است. بحمدالله، احساس عزّت هم در دل ملت ما هست و این از برکات رعایت همان ارزش‌هایی است که در غدیر تثبیت شد. (۹)

غدیر، زمینه‌ساز استمرار حرکت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله

عید غدیر، عید بسیار بزرگ و خاطره عظیم تاریخی است؛ لیکن در مضمون عید غدیر درس‌هایی وجود دارد که هرگاه ملت اسلام این درس‌ها را به گوش جان بشنود، حقیقتاً از این روز بهره خواهد برد. در واقعه غدیر، درس‌های بزرگی وجود دارد: اولاً این واقعه جزو وقایع مسلم تاریخ اسلام است. اینطور نیست که فقط شیعه حدیث غدیر را نقل کرده باشد. در بین علما و محدّثان اهل سنت، تعداد بسیاری این حدیث را نقل کرده‌اند و همان‌طور که شیعه این احادیث را بیان کرده است، آنها هم بیان کرده‌اند. فهم علما و دانشمندان - همانند فهم خود حضّار آن حادثه - از این عمل پیغمبر، که دست امیرالمؤمنین را بلند کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» این بود که پیغمبر، امیرالمؤمنین را برای جانشینی خود نصب کرد. نمی‌خواهیم وارد مسأله شیعه و سنی و اختلافات و درگیری‌های اعتقادی شویم - دنیای اسلام تا امروز هرچه از دعوای شیعه و سنی کشیده، بس است! - ولی معرفتی که در این کلام عمیق پیغمبر وجود دارد، باید درست فهمیده شود؛ پیغمبر امیرالمؤمنین را منصوب کرد. پیغمبر برای این مبعوث شده بود که مردم را تعلیم دهد و تزکیه کند؛ «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (۱۰) یا در جای دیگر «وَيُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (۱۱) باید انسان‌ها، هم آموزش داده شوند و هم تزکیه شوند، تا این کره خاکی و این جامعه بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده سالم، راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره‌مند شود. هدف همه نبوت‌ها و بعثت‌ها این است. هر کدام از انبیا به نبوت مبعوث شدند، این اقدام بزرگ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه می‌داد، پیش بردند؛ اما دین خاتم و نبی خاتم باید این حرکت عظیم الهی را ابدیت بخشد؛ چون پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر به آن سر منزل نهایی خود در این عالم - که زندگی در کره خاکی و در خانواده بشری، باید همراه با صلح و صفا و عدالت و با بهره‌مندی از خیرات عالم باشد - نزدیک شود و بالاخره به آن برسد. چگونه می‌شود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید

تعلیم و تربیت مستمری از موضع حکومت و قدرت سیاسی - آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم - این جامعه بشری را به تدریج پیش برد و تربیت کند و ناهنجاری‌ها را در میان آنها کاهش دهد تا بشریت بتواند به آن نقطه‌ای که شروع زندگی سعادت‌مندانه همه انسان‌هاست - که ما آن دوره را، دوره حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌دانیم - برسد. دوره ولی عصر (ارواحنا فداه)، دوره آغاز زندگی بشر است؛ دوره پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره خاکی و استعدادها و انرژی‌های نهفته در این فضا، برای انسان - بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، امّا به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت در راه تضييع و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کما اینکه در این صد سال اخیر این گونه بوده است. بشر نیروهای محرّکه و انرژی‌های پنهان و قوه بخار و سایر نیروها را کشف می‌کند، اما انسان‌ها را به انواع و اقسام گرفتاری‌های جسمانی از ناحیه این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسان‌ها به وجود می‌آورد، آلوده می‌کند. به بشر سرعت و سهولت داده می‌شود؛ اما خیلی چیزها از او گرفته می‌شود. از آن طرف هم تخریب ارزش‌های اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) قضیه این گونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژی‌های پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده بی ضرر و بی خسارت می‌کند؛ استفاده‌ای که مایه رشد و پیشرفت انسان است. همه پیغمبران آمده‌اند تا ما را به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع می‌شود. پیغمبر خاتم اگر بخواهد انسان‌ها را به مقتضای دین خاتم به اینجا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسان‌ها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی در پی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت - «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» (۱۲) - پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت و همان شیوه را مورد استفاده قرار دهد، و او علی بن ابی طالب است. معنای نصب غدیر این است. اگر آن روز امت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک می‌کرد و تحویل می‌گرفت و دنبال علی بن ابی طالب علیه السلام راه می‌افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا می‌کرد و بعد از امیرالمؤمنین هم انسان‌های معصوم و بدون خطا، نسل‌های بشری را مثل خود پیغمبر، پی در پی زیر تربیت الهی خویش قرار می‌دادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای می‌رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت می‌کرد؛ درجات روحی انسان‌ها بالا می‌رفت؛ صلح و صفا در بین انسان‌ها برقرار می‌شد و ظلم و جور و ناامنی و تبعیض و بی‌عدالتی از بین مردم رخت بر می‌بست. اینکه فاطمه زهرا علیها السلام - که در آن زمان عارف‌ترین انسان‌ها به مقام پیغمبر و امیرالمؤمنین بود - فرمود اگر دنبال علی راه می‌افتادید، شما را به چنین سر منزلی هدایت می‌کرد و از چنین راهی می‌برد، به همین خاطر است. ولی بشر زیاد اشتباه می‌کند. در تاریخ، اشتباهات بزرگ همیشه سرنوشت انسان‌ها را با مشکلات بزرگ دچار کرده است. ماجرای سیر انسان در دوران نبوت نبی خاتم صلی الله علیه و آله، ماجرای بسیار پرحادثه و داستان بسیار مهم و حامل فلسفه بسیار عمیقی است. در سال امیرالمؤمنین - که امسال و سال‌های دیگر هم متعلق به ایشان است - شایسته است که این فلسفه مورد مذاقه قرار گیرد. امروز هم بشر باید همان حرکت و تلاش را انجام دهد. جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند و هرچه انسان‌ها از رذایل اخلاقی، خودخواهیها، بداندیشی‌ها، بد دلها، شهوت رانی‌ها و خود پرستی‌ها دور شوند، آن آینده نزدیک‌تر خواهد شد. بشر در طول تاریخ در کج راهه‌هایی قرار گرفته و به راه افتاده که او را از سر منزل نهایی خودش بسیار دور کرده است. (۱۳)

رشح‌های از رشحات ولایت در اسلام

اگر ملت‌ها قطع نظر از مذاهب و ادیانی که بر آنها حاکم است، بخواهند راه سعادت را پیدا کنند، باید به ولایت اسلامی برگردند.

البته این ولایت اسلامی به شکل کامل، در یک جامعه اسلامی عملی است: چون ولایت براساس ارزش‌های اسلامی - یعنی عدالت اسلامی، علم اسلامی و دین اسلامی - است؛ امّا به شکل غیر کامل، در همه ملّت‌ها و در میان همه جوامع عملی است. اگر می‌خواهند کسی را به عنوان رهبر و حاکم بر جامعه انتخاب کنند، سراغ آن کسی که سرمایه داران معرفی می‌کنند، نروند؛ سراغ پارساترین و پاکترین و بی‌اعتنا ترین انسان‌ها به دنیا بروند؛ آن کسی که قدرت را سرمایه شخصی خود به حساب نمی‌آورد و از آن برای سود شخصی خویش استفاده نمی‌کند. این، رشحه‌ای از رشحات ولایت در اسلام است و دمکراسی‌های جاری عالم از آن بی‌نصیبند. این، از برکات اسلام است. لذا از اوّل انقلاب هم همین عنوان ولایت و ولایت فقیه - که دو مفهوم است؛ یکی خود مفهوم ولایت، یکی اینکه این ولایت متعلق به فقیه و دین شناس و عالم دین است - از طرف کسانی که در حقیقت تحمل این بافت ارزشی کامل را نمی‌توانستند و نمی‌توانند بکنند، مورد تعرض شدید قرار گرفت. امروز هم همین‌طور است. خوشبختانه مردم این راه را شناخته‌اند. این، از برکات غدیر و اسلام و زندگی امیرالمؤمنین و نیز حکومت کوتاه آن بزرگوار است. (۱۴)

حقایق نهفته در غدیر

در ماجرای غدیر، حقایق بسیاری نهفته است. صورت قضیه این است که برای جامعه نوپای اسلامی در آن روز، که در حدود ده سال از پیروزی اسلام و تشکیل آن جامعه گذشته بود، نبی مکرم صلی الله علیه و آله، موضوع حکومت و امامت را - با همان معنای وسیعی که دارد - حل می‌کردند و در غدیر خم و در بازگشت از حج، امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) را به جانشینی خود نصب می‌فرمودند. خود همین ظاهر قضیه، البته بسیار مهم است و برای کسانی که در مسائل یک جامعه انقلابی، اهل تحقیق و تدبّر باشند، یک تدبیر الهی است. ولی ماورای این ظاهر، حقایق بزرگی وجود دارد که اگر امت و جامعه اسلامی به آن نکات برجسته توجه کند، خط و راه زندگی روشن خواهد شد. اساساً اگر در قضیه غدیر، عموم مسلمین - چه شیعیان که این قضیه را قضیه امامت و ولایت می‌دانند و چه غیر شیعیان که اصل قضیه را قبول دارند، اما برداشت آنها از این موضوع، امامت و ولایت نیست - بیشتر توجه خودشان را امروز متوجه و متمرکز به نکاتی کنند که در قضیه غدیر است، برای مصالح مسلمین دستاوردهای زیادی خواهد داشت. (۱۵)

ابعاد گوناگون غدیر

در باب غدیر، انسان از ابعاد گوناگونی می‌تواند نظر بیندازد و بهره معنوی و فکری بگیرد. یکی، اصل و موضوع «ولایت» به عنوان استمرار نبوت است. این، موضوع مهمی است. نبوت عبارت است از گزاردن پیغام پروردگار در میان بشر در برهه‌ای از زمان و تحقق اراده الهی به وسیله شخصی که مبعوث و برگزیده پروردگار است. بدیهی است این دوره هم تمام می‌شد و می‌گذشت که «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ» (۱۶)، امّا این حادثه الهی و معنوی، با رفتن پیغمبر، منقطع نمی‌شود؛ بلکه هر دو جنبه اش باقی می‌ماند. یکی جنبه اقتدار الهی، حاکمیت دین و اراده پروردگار در میان بشر است. انبیا مظهر، اقتدار پروردگار در میان بشر بودند. انبیا که نیامدند مردم را فقط نصیحت کنند. نصیحت و تبلیغ، بخشی از کار پیغمبران است. پیغمبران همه آمدند تا جامعه‌ای را براساس ارزش‌های الهی به وجود آورند؛ یعنی در واقعیت زندگی مردم تأثیر بگذارند. بعضی توانستند و مبارزات شان به نتیجه رسید؛ بعضی هم نتوانستند. این جنبه از زندگی پیغمبر که مظهر قدرت خدا در زمین و در میان بشر و مظهر حاکمیت و ولایت الهی در میان مردم است، استمرار پیدا می‌کند؛ برای اینکه معلوم شود، دین در هیچ زمانی نمی‌تواند اثر خود را ببخشد، مگر اینکه زمامداری، حاکمیت و اقتدار، در آن وجود داشته باشد. جنبه دوم موضوع که آن هم به همین اندازه مهم است، این است که حال که این حاکمیت، با رفتن نبی قطع نمی‌شود و استمرار پیدا می‌کند، یک حاکمیت برهنه و بی‌نصیب از معنویت پیغمبر باشد. درست است که پیغمبر

دارای مقام ممتاز استثنایی است و هیچ کس دیگر با او مقایسه نمی‌شود؛ اما استمرار وجود او، باید متناسب با او باشد. ارزش‌های وجود مقدس پیغمبر، باید در کسی که استمرار وجود اوست به قصد ظرفیت آن شخص، حفظ شود. در آن دوره و فصل مهم از تاریخ نبوت و ولایت، که بایستی معصوم می‌بود تا انحراف پیش نیاید، جز در وجود مقدس امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام، چنین چیزی متحقق و متبلور نبود. ماجرای غدیر، این دو چیز را با هم، در تاریخ اسلام ثبت کرده است. لذا، این یک بُعد از مسأله غدیر است. یک بُعد دیگر، شخصیت خود امیرالمؤمنین است. بعد دیگر، اهتمام نبی اکرم به مسائل بعد از وفات خودشان است. اینها دیدگاه‌های مختلفی است که مسأله غدیر را از همه این جنبه‌ها می‌شود مورد بررسی قرار داد. (۱۷)

غدیر یک مسأله اسلامی و نه فقط شیعی

غدیر یک مسأله اسلامی است؛ یک مسأله فقط شیعی نیست. در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم یک روز سخنی بر زبان رانده و عملی انجام داده است که این سخن و این عمل، از ابعاد گوناگون دارای درس و معناست. نمی‌شود ما بگوییم که از غدیر و حدیث آن، فقط شیعه استفاده کند؛ اما بقیه مسلمانان از محتوای بسیار غنی‌ای که در این کلام شریف نبوی وجود دارد و مخصوص یک دوره هم نیست، بهره نبرند. البته چون در قضیه غدیر، نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به امامت و ولایت وجود دارد، شیعه دل‌بستگی بیشتری به این روز و این حدیث دارد؛ ولی مضمون حدیث غدیر، فقط مسأله نصب آن حضرت به خلافت نیست؛ مضامین دیگری هم دارد که همه مسلمانان می‌توانند از آن بهره ببرند. (۱۸)

روز طرح رسمی و صریح ولایت

در مورد اصل واقعه غدیر، خوب است همه افرادی که به مسائل تاریخ اسلام علاقه‌مندند، بدانند که قضیه غدیر، یک قضیه مسلم است. مشکوک نیست؛ فقط شیعیان نیستند که آن را نقل کرده‌اند؛ بلکه محدثان سنی - چه در دوره‌های گذشته و چه در دوره‌های میانی و بعدی - این ماجرا را نقل کرده‌اند؛ یعنی همین ماجرای که در سفر حجة الوداع پیامبر اکرم در غدیرخم اتفاق افتاد. از کاروان بزرگ مسلمانان که در این سفر با پیامبر حج گزارده بودند، بعضی جلو رفته بودند. پیامبر پیک‌هایی را فرستاد تا آنها را به عقب برگردانند و ایستاد تا آنهایی که عقب مانده‌اند، برسند. اجتماع عظیمی در آنجا تشکیل شد. بعضی گفته‌اند نود هزار، بعضی گفته‌اند صد هزار و بعضی هم گفته‌اند صد و بیست و هزار نفر در آن اجتماع حضور داشتند. در آن هوای گرم، مردم ساکن جزیره العرب - که بسیاری از آنها هم اهل بیابان‌ها و روستاها بودند و به گرما عادت داشتند - طاقت نمی‌آوردند روی زمین داغ بایستند. لذا عبا هایشان را زیر پاهایشان می‌گذاشتند تا طاقت بیاورند و بایستند. این نکته در روایت مربوط به اهل سنت هم آمده است. در چنین شرایطی، پیامبر اکرم از جای برخاست، امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) را از زمین بلند کرد و جلوی چشم خلائق نگه داشت و فرمود: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه». البته این جملات، قبل و بعد هم دارد؛ اما مهم‌ترین قسمتش این است که پیامبر در اینجا مسأله ولایت - یعنی حاکمیت اسلامی - را به طور رسمی و صریح مطرح می‌کند و امیرالمؤمنین را به عنوان شخص، معین و مطرح می‌نماید. این را همان طور که لابد شنیده‌اید و من هم عرض کردم، برادران اهل سنت ما در کتاب‌های معتبر - نه یکی، نه دو تا؛ در ده‌ها کتاب معتبر - نقل کرده‌اند. مرحوم علامه امینی اینها را جمع کرده است، و غیر از ایشان هم کتاب‌های زیادی در این خصوص نوشته‌اند. بنابراین، این روز، اولاً روز ولایت است؛ ثانیاً روز ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) است. در این جمله‌ای که پیامبر بیان کرده‌اند، معنای ولایت چیست؟ به طور خلاصه معنایش این است که اسلام در نماز و روزه و زکات و اعمال فردی و عبادات خلاصه نمی‌شود. اسلام دارای نظام سیاسی است و در آن حکومتی بر مبنای مقررات اسلامی پیش بینی شده است. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، «ولایت» است. ولایت، چطور حکومتی است؟

ولایت، حکومتی است که در آن، شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبت‌آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است. آن حکومتی که زورکی باشد؛ آن حکومتی که با کودتا همراه باشد؛ آن حکومتی که حاکم، عقاید مردمش را قبول نداشته باشد و افکار و احساسات مردمش را مورد اعتنا قرار ندهد؛ آن حکومتی که حاکم حتی در عرف خود مردم - مثل حکومت‌های امروز دنیا - از امکانات خاص و از برخورداری‌های ویژه بهره‌مند باشد و برای او، منطقه ویژه‌ای برای تمتعات دنیوی وجود داشته باشد، هیچکدام به معنای «ولایت» نیست و ولایت، یعنی حکومتی که در آن، ارتباطات حاکم با مردم، ارتباطات فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت‌آمیز است؛ مردم به او متصل و پیوسته‌اند؛ به او علاقه‌مندند و او منشأ همه این نظام سیاسی و وظایف خود را از خدا می‌داند و خود را عبد و بنده خدا می‌انگارد. استکبار در ولایت وجود ندارد. حکومتی که اسلام معرفی می‌کند، از دموکراسی‌های رایج دنیا مردمی‌تر است؛ با دل‌ها و افکار و احساسات و عقاید و نیازهای فکری مردم ارتباط دارد؛ حکومت در خدمت مردم است. از جنبه مادی، حکومت برای شخص حاکم و ولی و تشکیلات حکومتی، به عنوان یک طعمه نباید محسوب شود؛ و آما ولایت نیست. اگر آن کسی که در رأس حکومت اسلامی است، برای حکومت، برای خود، برای این شأن و مقامی که به او رسیده است یا می‌خواهد به او برسد، کیسه مادی‌ای دوخته باشد، آن شخص، ولی نیست؛ آن حکومت هم ولایت نیست. در حکومت اسلامی، کسی که ولی امر است - یعنی کار اداره نظام سیاسی به او سپرده شده است - از لحاظ قانون با دیگران یکسان است. او حق دارد بسیاری از کارهای بزرگ را برای مردم و کشور و اسلام و مسلمین انجام دهد؛ اما خودش محکوم قانون است. از روز اول تا امروز - بخصوص بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی - در معنای ولایت تحریف کردند؛ به دروغ، ولایت را چیزی غیر از آنچه که هست، معرفی کردند. گفتند ولایت معنایش این است که مردم محجورند و به سرپرست و قیم احتیاج دارند. آدم‌های نام و نشان‌دار، این را صریحاً در کتاب‌ها و مطبوعات شان نوشتند! دروغ محض، تهمت به اسلام، تهمت به ولایت! در غدیر، مسأله ولایت، به عنوان یک امر رسمی از سوی پیامبر مطرح شد و امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به عنوان مصداق آن تعیین گردید؛ که البته تفصیلات زیادی دارد و شما آن را می‌دانید. و اگر کسانی هم از تفصیلات آن اطلاعی ندارند - بخصوص جوانان - بهتر این است که در نوشته‌ها و کتاب‌های استدلالی و علمی آن را دنبال کنند. کتاب‌هایی هم در این زمینه نوشته شده و مفید است. (۱۹)

امتداد خط همه رسالت‌های الهی

نباید فقط به چشم یک خاطره فرقه‌ای نگاه کرد. غدیر در حقیقت معنای خود، مخصوص شیعه نیست. اگرچه شیعیان به میمنت نصب مولای متقیان به مقام امامت و ولایت، در این روز عید می‌گیرند و شکرگزاری می‌کنند؛ اما در حقیقت، روز غدیر امتداد خط همه رسالت‌های الهی و اوج این خط روشن و نورانی در طول تاریخ است. اگر به مضمون رسالت‌های الهی نگاه کنیم، می‌بینیم که در طول تاریخ نبوت‌ها و رسالت‌ها، این خط روشن دست به دست گشته، تا به نبی مکرم خاتم رسیده و در پایان حیات آن بزرگوار، تجسم و تبلور آن به شکل حادثه غدیر خود را نشان داده است. (۲۰)

الگوی فراموش نشدنی حکومت

امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداره جامعه در مقابل انواع و اقسام مدیریت‌های جامعه که از ضعف‌ها و شهوات و نخوت و فزون‌طلبی انسانی سرچشمه می‌گیرد. اسلام شیوه و نسخه امامت را به بشریت ارائه می‌کند؛ یعنی اینکه یک انسان، هم دلش از فیض الهی سرشار و لبریز باشد، هم معارف دین را بشناسد و بفهمد - یعنی راه را درست تشخیص دهد - هم دارای قدرت عملکرد باشد - که «يَايْحَيُّ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (۲۱) - هم جان و خواست و زندگی شخصی برایش حائز اهمیت نباشد؛ اما جان و زندگی سعادت انسان‌ها برای او همه چیز باشد؛ که امیرالمؤمنین در کمتر از پنج سال حکومت خود، این را در عمل نشان داد. شما می‌بینید

که مدت کوتاه کمتر از پنج سال حکومت امیرالمؤمنین، به عنوان یک نمونه و الگو و چیزی که بشریت آن را هرگز فراموش نخواهد کرد، در طول قرن‌ها همچنان می‌درخشد و باقی مانده است. این نتیجه درس و معنا و تفسیر واقعه غدیر است. ما دو سال با عنوان نام امیرالمؤمنین، جامعه و دل‌های خود را به عظمت این مقام شامخ و این چهره فراموش نشدنی تاریخ متوجه کردیم؛ اما معنای آن این نیست که وقتی امسال - که سال ۸۰ است - تمام شود، دیگر رفتارهای علوی و پرداختن به زندگی امیرالمؤمنین برای ما لازم نیست و تاریخ مصرف آن می‌گذرد؛ نخیر، ما هر لحظه احتیاج داریم که به آن نقطه الگو و خطّ نشان و انگشت اشاره‌ای که در زندگی امیرالمؤمنین وجود دارد، نگاه کنیم؛ از آن الگو بگیریم و فاصله طولانی بین خودمان و او را هر چه ممکن است، قدم به قدم کم کنیم. بزرگ‌ترین خطر برای نظام و حکومتی مثل نظام و حکومت ما که با نام اسلام به وجود آمده، این است که ما فراموش کنیم الگوی حکومت ما، امیرالمؤمنین است؛ به الگوهای رایج دنیا و تاریخ نگاه کنیم و خود را با آنها مقایسه کنیم؛ به روش حکومت‌های منحرفی که در طول تاریخ روز به روز به بشریت ضربه زدند، نگاه کنیم که اگر یک جنبه از زندگی انسان را رونقی بخشیدند، جنبه دیگری را دچار ضایعات جبران ناشدنی کردند. (۲۲)

موضوع غدیر در تحلیل تاریخی حوادث صدر اسلام

مسئله غدیر، صرفاً یک مسأله‌ای که ما جمع شیعه به آن اعتقاد داریم و یک عده از مسلمان‌ها هم به آن اعتقاد ندارند، این نیست. در نگاه تاریخی به اسلام و در تحلیل تاریخی حوادث صدر اسلام، موضوع غدیر - یعنی نصب جانشین - یک ضرورتی بود که اگر آنچنان که تدبیر شده بود - تدبیر رحمانی و الهی، و تدبیر نبوی - عمل می‌شد، بدون تردید مسیر تاریخ بشر عوض می‌شد و امروز ما در جایگاه بسیار جلوتری از تاریخ طولانی بشریت قرار داشتیم. اینکه یک مکتب و نظام فراگیر نیازهای زندگی بشر، به وسیله پیامبر خاتم در جامعه فرصت پیاده شدن پیدا کند، که این خود یک معجزه بزرگ بود، که پیغمبر توانست این نظام فکری و عملی را واقعیت ببخشد و بر روی زمین واقعیت، آن را بنا کند؛ آن هم در دشوارترین جاها، خود اینکه در دشوارترین جاها توانسته این بنا پیاده شود و قرار بگیرد، نشان دهنده این بود که در همه نقاط زندگی بشر و جغرافیای انسانی آن روز دنیا و بعد از آن، این بنا قابل تحقق است. این شکل علمی را در مقام عمل، در دشوارترین صورت، پیغمبر توانست تحقق ببخشد. اگر این حادثه اتفاق می‌افتاد که حفظ و گسترش کمی و گسترش کیفی در این موجود خلق شده الهی - یعنی جامعه اسلامی نبوی - می‌توانست به قدر ده، دوازده نسل، پی در پی حراست و حفاظت بشود، آن وقت مسلم بود که این حرکت در طول تاریخ بشر، شکست‌ناپذیر می‌ماند. معنایش این نبود که بشر، دوران انتظاری نخواهد داشت و خود در طول این دوازده نسل، به نهایت مطلوب خود خواهد رسید. اگر آن طوری که پیغمبر معین کرده بود، امیرالمؤمنین بعد امام حسن، بعد امام حسین، بعد ائمه دیگر، یکی پس از دیگری می‌آمدند، باز به گمان بیشتر، بشر نیاز به یک دوران انتظار داشت تا بتواند آن جامعه آرمانی را تحقق ببخشد. اما در آن صورت اگر این تعاقب معصومین، این دست‌های امین و کارآمد، می‌توانستند این حادثه ایجاد شده در واقعیت را حفظ کنند، آن وقت مسیر بشر، مسیر دیگری می‌شد. (۲۳)

غدیر، شروع روندی برای رسیدن بشریت به مرحله‌ای بالاتر

امروز بشر عیناً همان نیازهایی را دارد که پنج هزار سال پیش، این نیازها را داشت؛ نیازهای اصولی بشر، هیچ تفاوتی نکرده است. آن روز هم بشر از نفوذ قدرت‌های ستمگر رنج می‌برد؛ امروز هم شما - شماها چشمتان باز است - اگر دنیا را از نفوذ قدرت‌های ستمگر و ویرانگر نگاه کنید، خواهید دید که بشر دارد رنج می‌برد. آن روز هم نیاز بزرگ بشر عدالت بود و برترین رنج او بی‌عدالتی؛ امروز هم شما نگاه کنید، در دنیا بزرگ‌ترین مشکل بشر، بی‌عدالتی است. خطاست اگر خیال کنیم که این آزادی فردی

- که لیبرال دمکراسی غرب به بشر هدیه داده - این نیاز بشر بوده که قبلاً نبوده؛ چرا؛ به این شکل هایی که امروز آزادی‌های فردی هست، در بسیاری از دوره‌های تاریخ و در بسیاری از مناطق تاریخ وجود داشته است. همین محدودیت‌هایی که امروز به شکل پنهان اراده انسان‌ها را به زنجیر می‌کشند، اینها یک روز به صورت آشکار بوده است. این تور احاطه کننده بر اراده، حرکت و حیات انسان، امروز ریز تر بافته شده، از خیوط و نخهای باریک تری استفاده شده و با مهارت بیشتری به آن انداخته می‌شود. آن روز این مهارتها نبود؛ اما آشکار تر و قدر مآبانه تر بود. پس نیازهای بشر تفاوتی نکرده است. اگر آن دست به دست شدن امانت نبوی و گسترش کمی و کیفی متناسب و درست، انجام می‌گرفت، امروز بشر این نیازها را گذرانده بود (نیازهای فراوان دیگری ممکن بود برای بشر پیش بیاید که امروز ما آن نیازها را حتی نمی‌شناسیم) آن نیازها ممکن بود باشد؛ اما دیگر اینقدر ابتدایی نبود. امروز ما و جامعه بشری، همچنان در دوران نیازهای ابتدایی بشری قرار داریم. در دنیا گرسنگی هست، تبعیض هست - کم هم نیست؛ بلکه گسترده است، به یک جا هم تعلق ندارد؛ بلکه همه جا هست - زورگویی هست، ولایت نابحق انسان‌ها بر انسان‌ها هست؛ همان چیزهایی که چهارهزار سال پیش، دو هزار سال پیش به شکل‌های دیگری وجود داشته است. امروز هم بشر گرفتار همین چیزهاست و فقط رنگ‌ها عوض شده است. «غدیر» شروع آن روندی بود که می‌توانست بشر را از این مرحله خارج کند و به یک مرحله دیگری وارد کند. آن وقت نیازهای لطیف‌تر و برتری، و خواهش‌ها و عشق‌های به مراتب بالاتری، چالش اصلی بشر را تشکیل می‌داد. راه پیشرفت بشر که بسته نیست! ممکن است هزارها سال یا میلیون‌ها سال دیگر بشریت عمر کند؛ هرچه عمر کند، پیوسته پیشرفت خواهد داشت. منتها امروز پایه‌های اصلی خراب است؛ این پایه‌ها را پیغمبر اسلام بنیان گذاری کرد و برای حفاظت از آن، مسأله وصایت و نیابت را قرار داد، اما تخلف شد. اگر تخلف نمی‌شد، چیز دیگری پیش می‌آمد. «غدیر» این است. در طول دوران دویست و پنجاه ساله زندگی ائمه‌علیهم السلام - که عمر دوران ظهور ائمه از بعد از رحلت پیغمبر تا زمان وفات حضرت عسکری، دویست و پنجاه سال است - هر وقت ائمه توانسته‌اند و خودشان را آماده کرده‌اند تا اینکه به همان مسیری که پیغمبر پیش بینی کرده بود، برگردند؛ اما خوب، نشده است دیگر. (۲۴)

غدیر نشانه اهتمام اسلام، به مدیریت جامعه

تبریک عرض می‌کنم عید مبارک غدیر را، که عید بزرگ خداوند و یکی از مقاطع بسیار مهم و تعیین کننده در تاریخ اسلام است. مسأله غدیر و تعیین امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به عنوان ولی امر امت اسلامی از سوی پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله یک حادثه بسیار بزرگ و پر معناست؛ در حقیقت دخالت نبی مکرم در امر مدیریت جامعه است. معنای این حرکت که در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، این است که اسلام به مسأله مدیریت جامعه به چشم اهمیت نگاه می‌کند. اینطور نیست که امر مدیریت در نظام اسلامی و جامعه اسلامی، رها و بی‌اعتنا باشد. علت هم این است که مدیریت یک جامعه، جزو اثرگذارترین مسائل جامعه است. تعیین امیرالمؤمنین هم - که مظهر تقوا و علم و شجاعت و فداکاری و عدل در میان صحابه پیغمبر است - ابعاد این مدیریت را روشن می‌کند. معلوم می‌شود آنچه از نظر اسلام در باب مدیریت جامعه اهمیت دارد، اینهاست. کسانی که امیرالمؤمنین را به جانشینی بلافصل هم قبول ندارند، در علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل، تردید ندارند؛ این مورد اتفاق همه مسلمین و همه کسانی است که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) را می‌شناسند. این نشان می‌دهد که جامعه اسلامی از نظر اسلام و پیغمبر، چه نوع مدیریت و زمامداری و حکومتی را باید به عنوان هدف مطلوب دنبال کند. (۲۵)

پیام غدیر، مسأله نصب حاکم است

با قطع نظر از شخص امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) و موضوع منصوب بودن آن حضرت - که شیعه متمسک پایبند به این معناست - دیگران به این بخش قضیه، توجه چندانی نکردند و نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) را مورد ملاحظه قرار ندادند. در این قضیه، اصل مسأله نصب حاکم، مسأله مهمی است که پیام غدیر است. چرا باید این پیام روشن را که پیغمبر اکرم - مؤسس اسلام - به همه مسلمین داده است، العیاذ باللّه نادیده گرفت؟ آنجا که می‌گوید: «مسلمانان! دین را از اساس زندگی و از امر حکومت که پایه زندگی فردی و اجتماعی است، جدا نکنید. دین را به گوشه خلوت خانه‌ها و ذهن و مسائل روحی منحصر نکنید. دین را به انزوا نیندازید.» اساس زندگی بشر، که برپایه حکومت است، امری است متوجه دین؛ مسؤولیتی است بر دوش دین و دین باید این کار را انجام دهد. هیچ کس هم آن روز این معنا به ذهنش نیامد که «مگر مردم صغیرند که ولی می‌خواهند؟!» سفسطه عوامانه ای که بعضی افراد با ظواهر علمی و استدلالی مطرح می‌کنند. سرپرستی، همه جا به معنای «سرپرستی آدم قاصر» نیست. آموزگاری و معلمی، همه جا به معنی معلمی کلاس اول دبستان نیست که ما اگر به یک استاد دانشگاه گفتیم «معلم» بگوییم «اهانت شد، چون به معلم کلاس اول هم معلم می‌گویند!» معلمی در هر جا، به اقتضای خود آنجاست. معلم دانشگاه، معنا و اقتضایی دارد. معلم کلاس اول، یک اقتضا دارد. سرپرستی محجور و صغیر، معنایی و اقتضایی دارد. سرپرستی امت اسلامی، سرپرستی جنگ، سرپرستی صلح و سرپرستی سیاست هم، معنای دیگر و اقتضای دیگری دارد. اینها با هم قابل خلط نیستند. این، پیام غدیر است. (۲۶)

غدیر و استقرار عدالت اسلامی

نکته دیگری که در ماجرای غدیر می‌شود فهمید، این است که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام)، در همان چند سالی که به خلافت و حکومت رسیدند، نشان دادند که اولویت در نظر آن بزرگوار، استقرار عدل الهی و اسلامی است. عدالت، یعنی تأمین کردن هدفی که قرآن برای ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی، بیان فرموده است: «لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۲۷) اقامه قسط الهی، قسط و عدل با دستوری که اسلام معین کرده، بهترین تضمین و تأمین کننده عدالت است. این، در نظر امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام)، اولویت درجه اول بود. جامعه اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد و مبشر و هدایت‌گر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه ارزش‌های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است. این، آن برجسته‌ترین مسأله در زندگی حکومتی امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) بود. پیغمبر اکرم (صلوات الله و سلامه علیه) که چنین عنصری را به حکومت و ولایت مسلمین منصوب می‌کردند، در حقیقت اهمیت عدل را بیان فرمودند. آن حضرت دست پرورده پیغمبرند؛ شاگرد پیغمبرند؛ مطیع و عمل کننده به فرمان و درس پیغمبرند. پیغمبر با منصوب کردن امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام)، در حقیقت عدل را در جامعه اسلامی اهمیت بخشیدند و امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) در طول همان چهار سال و نه ماه یا ده ماه حکومت ظاهری که داشتند، بیشترین اهتمام شان بر استقرار عدل در جامعه بود. آن حضرت، عدالت را مایه حیات اسلام و در حقیقت روح مسلمانی و جامعه اسلامی می‌دانستند. و این، آن چیزی است که ملت‌ها به آن نیاز دارند و جوامع بشری در دوره‌های مختلف، از آن محروم بوده‌اند. در آن زمان هم محروم بودند؛ قبل از آن زمان هم محروم بودند؛ امروز هم اگر به صحنه عالم و کاری که ابرقدرت‌ها می‌کنند و روش حکومتی که حکام مادی در دنیا عمل می‌کنند نگاه کنید، باز هم می‌بینید مشکل همین است. مشکل بشریت، در حقیقت فقدان عدالت و اسلام و حکومت علوی و روش و منهج امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) است. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام)، عدالت را در بین مسلمانان و جامعه اسلامی جاری می‌کردند و مانع از این شدند که بیت المال به اسراف مصرف شود. نگذاشتند دست تطاول باز شود. نگذاشتند کسانی بیت المال مسلمین را به ناحق مصرف کنند. البته بیت المال مسلمین در آن روز،

به این شکل بود که درآمدهای جامعه اسلامی به شکل سرانه، بین مردم تقسیم می‌شد. این روش مالیه جدید و این شکلی که امروز در دنیا وجود دارد، آن روزها معمول نبود. همان درآمد را، امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) بالسویه تقسیم می‌کردند. بیت المال را بین صحابی و غیر صحابی و قرشی و هاشمی و غیر قرشی و غیر خاندان پیغمبر و همه و همه، به شکل یکسان تقسیم می‌کردند و این، مایه اعتراض خیلی‌ها شد؛ امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) اعتنایی نکردند. امروز وضع تقسیم بیت المال به شکل عادلانه، آنطور نیست. امروز تقسیم سرانه نیست و روش‌های دیگری در استقرار عدالت وجود دارد. امروز کسانی که با بیت المال مسلمین سر و کار دارند، باید از مصرف و خرج کردن بیت المال در غیر مصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند. این، راه تقسیم عادلانه بیت المال است. اگر مسؤولی خدای ناخواسته، در امر بیت المال اسراف بوزد، یا آن را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتبطين خود مصرف کند، این تخلف از عدل و قرار واقعی در امر بیت المال است. باید بیت المال مسلمین در همان طریقی که قانوناً معین شده و همان مصارف عمومی و بخش‌هایی که وظیفه‌ای از وظایف کشور را برعهده دارد، مصرف شود. لذا امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام)، آن روز به کسانی که مسؤولیت امور کشور را برعهده داشتند، سختگیری را به جایی رساندند که به قول امروز، بخشنامه کردند: «ادقوا اقلامکم؛ سر قلم‌های خودتان را که با آن می‌نویسید، ریز بتراشید». هم صرفه جویی در قلم، هم صرفه جویی در کاغذ، هم صرفه جویی در مرکب! «و قاربوا بین سطورکم؛ سطوری را که در کاغذ می‌نویسید به هم نزدیک بنویسید و در کاغذ صرفه جویی کنید». «واقصدوا قصد المعانی؛ مطالب لازم را بنویسید». از زیاده روی و زیاده نویسی پرهیز کنید. اگر امروز بخواهند این حرف‌ها را تکرار کنند، به این شکل خواهد بود که از ایجاد دستگاه‌های زاید، استخدام‌های زاید و توسعه دادن‌های زاید، خودداری کنید، یعنی باید از کاغذ پراکنی و زیاده نویسی‌های بیهوده و وقت تضييع کن، خودداری کنیم. این خصوصیات را، امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) رعایت می‌کردند. در آخر این جمله هم، که بعضی از فقراتش را من عرض کردم، می‌فرمایند: «فان اموال المسلمین لا یحتمل الاضرار؛ ضرر رساندن به اموال مسلمانان را تحمل نمی‌کردند که کسی بخواهد ولو به اندازه کمی به اموال عمومی ضرر برساند». این، یعنی امانت‌دار دانستن خود و همه مسؤولین بیت المال. این، آن عدل امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) است. و این آن قله‌ای است که ما باید به آن برسیم. آن بزرگوار - امام [خمينی] رحمه الله - هم فرمودند، و همه ما هم گفتیم: بدیهی است که ما به امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) نمی‌رسیم. بدیهی است که بشر معمولی، نه در این زمان، نه حتی در آن زمان، قادر بر این نیست و نبود که مثل آن بزرگوار، مشی کند، یا عدالت را آن‌گونه اجرا کند و یا آنطور زندگی کند. موضوع این است که آن حضرت نمونه کاملند. باید تلاش کنیم خودمان را به آن نمونه کامل نزدیک و شبیه تر کنیم. اگر حرکت ما به گونه‌ای باشد که در حال دور شدن از آن نمونه کامل باشیم، این، انحراف و خطاست. این متمرکز شدن روی عدالت و دل بستن به عدالت، راز اصلی دشمنی دشمنان اسلام با اسلام، بخصوص در روزگار ماست. در زمان‌های قدیم هم البته همین‌گونه بوده است. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) با ما - با جمهوری اسلامی؛ با شما ملت - مخالفت دارند، احساس دشمنی دارند، اگر بتوانند ضربه‌ای وارد کنند، وارد می‌کنند و پرهیز نمی‌کنند، همین است. چون جمهوری اسلامی، منادی چنان عدالتی است. عدالت بین همه ملت‌ها؛ بین همه انسان‌ها؛ بدون اینکه ملاحظه شود که کی مال کدام نژاد، یا کدام خون، یا کدام رنگ است. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) در جامعه اسلامی آن روز و تحت حکومت خود، نگاه نمی‌کردند که این مسلمان است و این مسیحی است یا یهودی است. نسبت به همه آنها، مثل یک پدر بودند. حافظ منافع آنها بودند. (۲۸)

ضرورت ایستادگی بر معیار و میزان‌های غدیر

ایستادگی شما، دنیایی را وادار کرد که در مقابل ظلم و جور و زورگویی استکبار بایستند. دنیا اینطور نبود! تنها علاج، در مقابل ظلم و تعدی و تجاوز و نامردمی استکبار، عبارت است از ایستادگی و پایداری روی همان معیارها و میزان‌هایی که غدیر، سمبل و

رمز واقعی آن است؛ یعنی عدالت؛ تلاش برای خدا؛ ارزش دادن به تقوا و جهاد فی سبیل الله. ایستادگی بر روی این معیار هاست که خواهد توانست این راه را در مقابل ملت ایران، باز هم، بازتر و هموارتر کند. (۲۹)

تعیین کننده‌ترین مسأله هر ملت

وقتی برای یک ملت، قضیه ولایت و حکومت حل شود، آن هم به شکلی که در غدیر خم حل شد، حقیقتاً آن روز برای آن ملت، عید است. چون اگر ما بگوییم که مهم‌ترین و حساس‌ترین مسأله هر ملتی، همین مسأله حکومت و ولایت و مدیریت و حاکمیت والای بر آن جامعه است، این تعیین کننده‌ترین مسأله برای آن ملت است. ملت‌ها هر کدام به نحوی، این قضیه را حل کرده‌اند؛ ولی غالباً نارسا و ناتمام و حتی زیان‌بخش. پس، اگر ملتی توانسته باشد این مسأله اساسی را به نحوی حل کند که در آن، همه چیز آن ملت - کرامت او، معنویت او، توجه او به خدا، حفظ سعادت دنیایی او و بقیه چیزهایی که برای یک ملت مهم است - رعایت شده باشد، واقعاً آن روز و آن لحظه، برای آن ملت عید است. در اسلام، این قضیه اتفاق افتاد. روز عید غدیر، ولایت اسلامی - یعنی رشحه و پرتوی از ولایت خدا در میان مردم - تجسم پیدا کرد و این چنین بود که دین کامل شد. بدون تعیین و تبیین این مسأله، دین واقعاً ناقص می‌ماند و به همین خاطر بود که نعمت اسلام بر مردم تمام شد. مسأله ولایت در اسلام، اینطور مسأله‌ای است. (۳۰)

تفاوت اساسی جامعه اسلامی با دیگر جوامع

ولایت، یعنی حاکمیت و سرپرستی در جامعه اسلامی، طبیعتاً چیزی جدا از ولایت و سرپرستی و حکومت در جوامع دیگر است. در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است. هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان‌های دیگر را به عهده بگیرد. این حق، مخصوص خدای متعال است که خالق و منشی و عالم به مصالح و مالک امور انسان‌ها، بلکه مالک امور انسان‌ها، بلکه مالک امور همه ذرات عالم وجود است. خود این احساس در جامعه اسلامی، چیز کم نظیری است. هیچ قدرتی، هیچ شمشیر بزرگی، هیچ ثروتی، حتی هیچ قدرت علم و تدبیری، به کسی این حق را نمی‌دهد که مالک و تصمیم گیرنده درباره سرنوشت انسان‌های دیگر باشد. اینها ارزش هستند. حق تولیت امور و زمامداری مردم را به کسی اعطا نمی‌کند. این حق، متعلق به خداست. خدای متعال، این ولایت را از مجاری خاصی اعمال می‌کند؛ یعنی آن وقتی هم که حاکم اسلامی و ولی امور مسلمین، چه براساس تعیین شخص - آنچنان که طبق عقیده ما، در مورد امیرالمؤمنین و ائمه‌علیهم السلام تحقق پیدا کرد - و چه براساس معیارها و ضوابط انتخاب شد، وقتی این اختیار به او داده می‌شود که امور مردم را اداره بکند، باز این ولایت، ولایت خداست؛ این حق، حق خداست و این قدرت و سلطان الهی است که بر مردم اعمال می‌شود. آن انسان - هر که و هر چه باشد - منهای ولایت الهی و قدرت پروردگار، هیچ‌گونه حقی نسبت به انسان‌ها و مردم دیگر ندارد. خود این، یک نکته بسیار مهم و تعیین کننده در سرنوشت جامعه اسلامی است. و اما آن کسی که این ولایت را از طرف خداوند عهده‌دار می‌شود، باید نمونه ضعیف و پرتو و سایه‌ای از آن ولایت الهی را تحقق ببخشد و نشان بدهد، یا بگوییم در او باشد. خصوصیات ولایت الهی، قدرت و حکمت و عدالت و رحمت و امثال اینهاست. آن شخص یا آن دستگاهی که اداره امور مردم را به عهده می‌گیرد، باید مظهر قدرت و عدالت و رحمت و حکمت الهی باشد. این خصوصیت، فارق بین جامعه اسلامی و همه جوامع دیگری است که به شکل‌های دیگر اداره می‌شوند. جهالت‌ها، شهوات نفسانی، هوی و هوس و سلايق شخصی متکی به نفع و سود شخصی یا گروهی، این حق را نارند که زندگی و مسیر امور مردم را دستخوش خود قرار بدهند. لذا در جامعه و نظام اسلامی، عدالت و علم و دین و رحمت باید حاکم باشد؛ خودخواهی نباید حاکم بشود، هوی و هوس - از هر کس و در رفتار و گفتار هر شخص و شخصیتی - نباید حکومت کند. سر عصمت امام در شکل‌گیری و اصلی و مطلوب در اسلام هم همین است که هیچ‌گونه امکان تخطی و تخلفی وجود نداشته باشد. آنجایی هم که عصمت وجود

ندارد و میسر نیست، دین و تقوا و عدالت باید بر مردم حکومت کند که نمونه‌ای از ولایت الهی محسوب می‌شود. پس، روز غدیر، روز ولایت و روز تعیین کننده‌ای در سرنوشت جامعه اسلامی است. اهمیتی که به این روز داده‌اند، چه خود نبی اکرم صلی الله علیه و آله که بنا به وحی الهی، یک موقعیت استثنایی و روز گرم و جایگاه سختی را انتخاب کرد، تا اهمیت قضیه را نشان بدهد، و چه روایات ما و ائمه اطهار علیهم السلام که به این روز، اینقدر اهمیت دادند، به خاطر این است که مسأله ولایت و حکومت در اسلام، مسأله اساسی و مهم است. اگر اسلام - که دین خداست و می‌خواهد زندگی مردم را براساس ارزش‌های الهی اداره بکند - در امر حکومت، دچار یک وضعیت دنیایی شد؛ دچار همان چیزی شد که جوامع دیگر به آن مبتلا هستند، مصالح مترتب بر نظام اسلامی، به کلی از آن سلب خواهد شد. در دستگاه اداره کننده و مدیریت و حاکمیت، باید یک نظام معنوی و الهی باشد. اینکه علمای اسلام و ملت انقلابی ما و دلسوزان جامعه، اینقدر روی مسأله ولایت فقیه عادل تکیه می‌کنند و امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالی علیه)، آن را آنقدر مهم می‌شمردند، به خاطر همین بود که اگر این مسأله معنوی را از جامعه اسلامی مان سلب بکنیم - همچنان که آن کسانی که دل سپرده به روش‌های غربی بودند و ارزش‌های غربی برای آنها اصل بود، در باب حکومت در جامعه اسلامی می‌خواستند در سال‌های اول، به همان شیوه‌های غربی عمل بکنند - و اگر ما این اشتباه را می‌کردیم و بکنیم که در مسأله حکومت و مدیریت جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش بکنیم و به سمت همان فرم‌های رایج دنیایی برویم، معنای جامعه اسلامی ما از بین خواهد رفت. این نقطه، تعیین کننده است. شاید این حدیث را ما بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم و نقل کرده‌ایم که «لاعدین کل رعیة فی الاسلام اطاعة اماماً جائراً لیس من الله عزوجل و ان کانت الرعیة فی اعمالها بره تقیة و لاعفون عن کل رعیة فی الاسلام اطاعة اماماً هادياً من الله عزوجل و ان کانت الرعیة فی اعمالها ظالمة مسیئة». حاصل اینکه اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد. اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه مردم، نمی‌تواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. یعنی تأثیر رأس قله و هرم و مجموعه مدیریت و دستگاه اداره کننده در یک جامعه، اینقدر فوق العاده است. این است که ما روی مسأله غدیر، اینقدر تکیه می‌کنیم. (۳۱)

غدیر، ناسخ سفسطه جدایی دین از سیاست

...اول مسأله، به مستبدان و افسار گسیختگان دستگاه حاکمیت در کشور ما و کشورهای دیگر بر می‌گردد که از هرگونه دخالتی از ناحیه دین و اهل دین و منادیان و علمای دین در پهنه سیاست، میهراسیدند و با آن مخالفت می‌کردند. استعمارگران هم که قضیه را منطبق با آمال و سیاست‌های خود می‌دیدند، آن را دنبال کردند و تیز جدایی دین از سیاست، بعد از آنکه بر خلیفات آحاد مردم متدین و حتی بسیاری از علما تحمیل شده بود و به خورد آنها رفته بود، شکل مبنایی هم پیدا کرد؛ یعنی برای آن، استدلال درست کردند و به یک مبنای و یک فکر تبدیل شد. این همه، مربوط به گذشته است. یکی از بزرگ‌ترین خدمات حرکت عظیم دینی ملت ایران، این بود که افسانه غلط «جدایی دین از سیاست» را زایل کرد و از بین برد. هم مردم با انگیزه دین وارد میدان شدند و پرچم آزادی بلند کردند و هم به دستور دین، منادیان احکام دینی و علمای بزرگ، پیشرو قافله آنها شدند و به حرکت درآمدند تا اینکه آن حرکت، منتهی به حاکمیت دین خدا در این کشور شد. آنگاه برای مسلمین، روشن گردید که امور سیاسی - و برتر از همه امور سیاسی، امر حکومت و ولایت - با دین عجین است و از دین جدایی پذیر نیست. وقتی نصوص و متون دینی، معنای خود را آشکار کرد، همه فهمیدند که سال‌ها به چنین امر واضحی توجه نداشته‌اند. بدیهی است که یک انحراف، وقتی از سوی دشمنان خوشبختی یک ملت پشتیبانی می‌شود، به آسانی از بین نمی‌رود. بنابراین، استدلال‌هایی جدید برای جدایی دین از سیاست درست شد. استدلال کردند که «اگر دین را وارد سیاست کنیم و اگر سیاست یک کشور از دین سرچشمه و منشأ بگیرد، چون امور سیاسی و امر

حکومت، مشکلات دارد، دنبالش نارضایی‌ها، دل زدگی‌ها و ناکامی‌هاست. لذا، این امر موجب می‌شود که مردم از اصل دین بیزار شوند. پس اصلاً دین، باید به کل از سیاست کنار برود؛ جنبه قداست پیدا کند؛ نورائیتی بیابد؛ به کناری بنشیند و به امور معنوی و ذهنی و روحی مردم بپردازد. امروز ایادی استکبار، در دنیا - بخصوص دنیای اسلام - با شیوه‌های مختلف این استدلال و نظریه را ترویج می‌کنند. ناسخ این سفسطه‌ها، غدیر است. در موضوع غدیر، نبی مکرم اسلام به پیروی از امر خدا و به خاطر عمل به آیات صریح قرآن، یکی از بالاترین واجبات را انجام داد: «وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (۳۲) قضیه نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به ولایت و خلافت، آنقدر مهم است که اگر آن را انجام ندهی، رسالت خود را انجام نداده‌ای! یا مراد این است که رسالت در این قضیه بخصوص را انجام نداده‌ای؛ چون خداوند متعال دستور داده است که «این کار را انجام بده». یا از این بالاتر، اصل رسالت پیغمبر، با انجام ندادن این کار، مورد خدشه قرار می‌گیرد و پایه‌اش متزلزل می‌شود. احتمال این هم هست. کأنه اصل رسالت، تبلیغ نشده است! احتمال دارد، معنا این باشد که در این صورت، قضیه خیلی اهمیت پیدا می‌کند، یعنی موضوع تشکیل حکومت، امر ولایت و امر مدیریت کشور، جزو متون اصلی دین است و پیغمبر، با این عظمت، اهتمام می‌ورزد و این رسالت خود را در مقابل چشم آحاد مردم، به کیفیتی انجام می‌دهد که شاید هیچ واجبی را این‌گونه ابلاغ نکرده است! نه نماز را، نه زکات را، نه روزه را و نه جهاد را. مردم را از قشرها و قبایل و مناطق مختلف، بر سر چهار راه بین مکه و مدینه به انگیزه انجام امری مهم جمع کند؛ آن‌گاه چنین رسالتی را ابلاغ فرماید، که در دنیای اسلام بیچند: «پیغمبر، پیام جدیدی را ابلاغ فرمود». (۳۳)

شاخصه نظام اجتماعی و سیاسی اسلام

ولایت که عنوان حکومت در اسلام و شاخصه نظام اجتماعی و سیاسی برای اسلام است، یک معنای دقیق و ظریفی دارد که معنای اصلی ولایت هم همان است و آن عبارت است از پیوستگی، پیوند، در هم پیچیدن و در هم تنیدگی. این، معنای ولایت است. چیزی که مفهوم وحدت، دست به دست هم دادن، با هم بودن، با هم حرکت کردن، اتحاد در هدف، اتحاد در راه و وحدت در همه شؤون سیاسی و اجتماعی را برای انسان، تداعی می‌کند. ولایت، یعنی پیوند. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا» (۳۴) یعنی این. پیوند افراد جامعه اسلامی، با هجرت حاصل می‌شود؛ نه فقط با ایمان. ایمان کافی نیست. پیوند ولایت که یک پدیده سیاسی، یک پدیده اجتماعی و یک حادثه تعیین کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کار کردن حاصل می‌شود؛ لذاست که در نظام اسلامی «ولئی» از مردم جدا نیست. ولایت که معنایش پیوند و پیوستگی و با هم بودن است، یک جا هم به معنای محبت می‌آید، یک جا هم به معنای پشت بانی می‌آید که همه اینها در واقع مصادیق به هم پیوستگی، وحدت و اتحاد است، و الّا معنای حقیقی، همان اتحاد و یگانگی و با هم بودن و برای هم بودن است. معنای ولایت، این است. اگر با این دید به جامعه اسلامی نگاه کنید، ابعاد این وحدت اجتماعی و وحدت سیاسی و وحدت معنوی و روحی و وحدت عملی، ابعاد عجیبی می‌یابد که بسیاری از معارف اسلامی را برای ما معنی می‌کند. به سمت مرکز عالم وجود حرکت کردن انسان، در جهت ولایت الله حرکت کردن است. همه ذرات عالم، خواه ناخواه در جنب ولایت الهی، در دایره ولایت الله قرار دارند و انسان‌های آگاه، مختار، تصمیم گیرنده و دارای حُسن انتخاب، عملاً هم ولایت الهی را بر میگزینند و در آن راه حرکت می‌کنند؛ محبت الهی را کسب می‌کنند و خود از محبت پروردگار، پر می‌شوند. صفای دنیای اسلام و محیط اسلامی و محیط معنوی، ناشی از همین ولایت الله است. این ولایت الهی، با ولایت خداوند در عالم سیاست و محیط سیاسی، تفاوت جوهری ندارد؛ حقیقت هر دو یکی است. لذا در نظام اسلامی، حکومت با محبت، با ایمان، با وحدت و همدلی، همچنین با هم بودن مردم و حکومت، با هم بودن اجزای حکومت و با هم بودن اجزای مردم است؛ اینهاست که مصداق حقیقی ولایت را در جهان متشکلت و متفروق و متنازع، متمایز و مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که این نظام اسلامی است. وجه غالب زندگی در نظام اسلامی و در نظام

ولایت، باید تعاطف، همدلی، تعاون و همکاری باشد؛ لذا شما در آیات کریمه قرآن هم که نگاه می‌کنید، می‌بینید این مسأله همکاری و همدلی و همراهی، بخش قابل توجهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. آیاتی هست که صریحاً در این معناست، مثل «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (۳۵) و غیر اینها. آیاتی هم هست که اگرچه به صراحت در این معنا نیست، اما مفاد و جهت حقیقی آن، اتحاد دل‌ها و جان‌ها و همگامی انسان‌هاست و می‌دانید که امیرالمؤمنین (صلوات الله و سلامه علیه)، مظهر همدلی یک رهبری سیاسی، یک حاکم سیاسی و یک ولی و امام، با آحاد مردم است. مثال زدنی تر از امیرالمؤمنین هم نمی‌شود کسی را در دنیا و در تاریخ پیدا کرد - علی ولی الله - ولایت به معنای حقیقی، این است. ما از اول در نظام مقدس جمهوری اسلامی، به برکت وحدت و اتحاد، هر کاری کردیم و توانسته‌ایم بکنیم. (۳۶)

ولایت، یعنی حاکمیت انسان‌های پارسا

یک بعد دیگر در قضیه و حدیث غدیر، همین مسأله ولایت است؛ یعنی تعبیر از حکومت به ولایت؛ «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». آن وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام تعیین حق حاکمیت برای یک شخص است، تعبیر مولا را برای او به کار می‌برد و ولایت او را به ولایت خود مقترن می‌کند. خود این مفهومی که در ولایت هست، بسیار حائز اهمیت است؛ یعنی اسلام، منهای همین مفهوم ولایت - که یک مفهوم مردمی و متوجه به جهت حقوق مردم و رعایت آنها و حفظ جانب انسان‌هاست - هیچ حاکمیتی را بر مردم نمی‌پذیرد و هیچ عنوان دیگری را در باب حکومت قایل نیست. آن کسی که ولی و حاکم مردم است، یک سلطان نیست؛ یعنی عنوان حکومت، از بُعد اقتدار و قدرت او بر تصرف ملاحظه نمی‌شود؛ از بعد اینکه او هر کاری که می‌خواهد، می‌تواند بکند، مورد توجه و رعایت نیست؛ بلکه از باب ولایت و سرپرستی او، و اینکه ولی مؤمنین یا ولی امور مسلمین است، این حق یا این شغل یا این سمت مورد توجه قرار می‌گیرد. قضیه حکومت در اسلام، از این جهت مورد توجه است. اگر این مفهوم ولایت و آنچه را که اسلام برای ولی و والی به عنوان شرط و وظیفه قرار داده است، بشکافیم - که در کلمات ائمه معصومین در این باب، خیلی حرف‌های آموختنی وجود دارد، و در همین نامه امیرالمؤمنین به مالک اشتر و آن توصیه‌های بزرگ، مفاهیم ارزنده زیادی هست - خواهیم دید که مردمی‌ترین نوع حکومت این است. در فرهنگ بشری - یعنی فرهنگ آزادی خواهان عالم در طول تاریخ - هیچ چیزی که از حکومت زشت باشد، در مفهوم ولایت وجود ندارد. مفهوم استبداد یا خودسری، به میل خود یا به ضرر مردم تصمیم گرفتن، مطلقاً در معنای ولایت اسلامی نیست. نه اینکه یک شخصی نمی‌تواند به نام ولایت از این کارها بکند؛ خیر، شیاطینی هستند که با همه نام‌های خوب، همه کارهای بد را در دنیا کرده‌اند. مقصود، آموزش و درس و راه اسلامی است. البته کسانی که دلباخته مفاهیم غربی و بیگانه از اسلام هستند، ممکن است حرف‌هایی بزنند، یا تصوراتی بکنند؛ لیکن اینها بر اثر نشناختن مفهوم ولایت است. ولایت در اسلام، ناشی از ارزش‌هاست؛ ارزش‌هایی که وجود آنها، هم آن سمت و هم مردم را مصونیت می‌بخشد؛ مثلاً عدالت به معنای خاص - یعنی آن ملکه نفسانی - از جمله شرایط ولایت است. اگر این شرط تأمین شد، ولایت یک چیز آسیب ناپذیر است؛ زیرا به مجرد اینکه کمترین عمل خلافی که خارج از محدوده و خارج از اوامر و نواهی اسلامی است، از طرف آن ولی یا والی تحقق پیدا کرد، شرط عدالت سلب می‌شود. کوچک‌ترین ظلم و کوچک‌ترین کج رفتاری که خلاف شرع باشد، عدالت را سلب می‌کند. هر تبعیضی، هر عمل خلاف و گناه و ترک وظیفه‌ای، عدالت را از والی سلب می‌کند. وقتی هم که عدالت سلب شد، او از آن منصب منزل می‌شود. در کدام سیستم حکومتی دنیا، چنین شکلی وجود دارد؟ در کدام طریقه ضمانت نظارت مردمی، چنین روشی وجود دارد که در آن، خیر انسانیت و خیر جامعه و مصالح بشری و ارزش‌ها باشد؟ البتة تخلف از معیارها، در همه شکل‌ها می‌تواند صورت بگیرد. بر فرض حفظ معیارها، شما ملاحظه کنید ببینید، این چه شکل متینی است که اسلام مقرر کرده است. ما مسلمین باید ولایت را تجربه کنیم. در طول قرن‌های متمادی نگذاشتند. چه کسانی

نگذاشتند؟ همان کسانی که حکومت به سبک ولایت، آنها را از مسند قدرت و حکومت کنار می‌زند؛ و آلا به نفع مردم است. کدام کشورها هستند که اگر در رأس حاکمیت شان یک انسان پرهیزگار پارسای مؤمن مراعات کننده اوامر و نواهی الهی و عامل به صالحات و حسنات باشد، برای آنها بهتر نباشد، از اینکه فرد می‌گسار شهوت ران پول‌پرست دنیاپرستی بر سر کار باشد؟ هر ملت و هر مذهبی که می‌خواهند، داشته باشند. ولایت، یعنی حاکمیت انسان‌های پارسا، انسان‌های مخالف با شهوات و نفس خودشان، انسان‌های عامل به صالحات. این، معنای ولایت اسلامی است. کدام ملت و کدام کشور است که این را نخواهند و به نفعشان نباشد؛ مفهوم آن را تصور کنند و تصدیق نکنند؟ چه کسانی با این اصل و با این روش مخالفند؟ معلوم است؛ آن قدرت طلبانی که در وجود و نفس خودشان، تحقق آن معیارها - یعنی تحقق پارسایی، تخریب از شهوات و بی‌اعتنایی به زخارف دنیا - را عملی نمی‌بینند. کدامیک از این قدرتمندانی که امروز زمام‌های امور را در دنیا به دست گرفته‌اند، حاضرند اساس حکومت و ولایتی باشند که اسلام گفته است؟ ما همیشه این را گفته‌ایم و این جزو مسلمات انقلاب ماست که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، یک تعرض عمومی به فرهنگ غیر اسلامی و ضد اسلامی است که امروز بر قدرت‌های جهانی حاکم است و ارکان قدرت جهانی بر اساس آن شکل گرفته است. به همین خاطر، با اسلام و با این انقلاب و این نظام مخالفند؛ زیرا اجزای فرهنگ سیاسی رایج بین قدرتمندان عالم را زیر سؤال برده است. فرهنگ ما، فرهنگی مغایر با آن فرهنگ هاست؛ کما اینکه وضع حکومت و قدرت سیاسی و رابطه آن قدرت با مردم و پیوندهای بین آنها و مردم را مشاهده می‌کنید. (۳۷)

مسأله ولایت در اسلام

در روایات ما، از این عید به «عید الله الاکبر» - بزرگ‌ترین عید الهی - تعبیر شده است. یک وقت مسأله این است که شخصیت والایی مثل امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) که از همه خصوصیات و جهات، منحصر به فرد است، در مراسمی به حکومت برگزیده شده است. البته این، مطلب مهم و حادثه عظیمی است و جا دارد که در طول سال‌های متمادی - بلکه قرن‌ها - برای این واقعه عید گرفته شود. معمول هم هست که وقتی مردم به کسی علاقه و اعتقاد دارند، هنگامی که او به امکانی دست پیدا می‌کند - به حکومت و قدرت و ریاست می‌رسد - اظهار شادمانی و خوشحالی می‌کنند. البته این هم مهم است و امر کوچکی نیست که کسی مثل امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به حاکمیت امت اسلام منصوب شود؛ لیکن مسأله غدیر، از اینها بالاتر است. مسأله غدیر، فقط از این جهت شرافت ندارد که در آن شخصی مثل امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) که هم طراز او در عالم وجود کسی نیست، به حکومت و خلافت و ولایت منصوب شده است؛ بلکه علاوه بر این، جهت مهم دیگری در غدیر است - شاید جهانی وجود دارد، ولی ما این جهت را امروز می‌خوانیم عرض کنیم - که از نفس نصب امیرالمؤمنین به عنوان یک شخص، اهمیتی کمتری ندارد و آن، عبارت از اصل مسأله ولایت است؛ مضمون ویژه‌ای که در مسأله ولایت در اسلام وجود دارد. آن چیزی که در طول زمان، به صورت یک جریان باقی می‌ماند و افراد بشر می‌توانند از آن درس بگیرند و زندگی و آینده خودشان را با آن تطبیق دهند، مضمونی است که در حادثه غدیر وجود دارد. نفس اینکه خدای متعال، دستور خاصی صادر می‌فرماید و براساس این دستور، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله کسی را به عنوان «ولی» معین می‌کند - آن هم کسی با این خصوصیات - یک امر مهم و یک درس بزرگ و بخش مهمی از اسلام است. شاید بشود گفت که اساس و پایه حقیقی اسلام، در این بخش از قضیه است. مضمون حقیقی غدیر، اهمیتی چنان است که آیه قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». (۳۸) مضمون غدیر و حقیقت این نصب چیست که اینقدر حائز اهمیت است؟ این قضیه، ابعاد گوناگونی دارد. یکی همین مسأله است که اداره امور بشر، یک امر الهی است و بشری نیست و با همه مسائل دیگر انسان، تفاوت دارد. کسانی ممکن است از این جنبه، سوء استفاده کنند و بسیاری از خلاف کاری‌ها و کج رفتاری‌ها را به حساب ارتباط با خدا بگذارند. البته در مورد همه حقایق عالم، ممکن است چنین سوء

استفاده‌هایی اتفاق بیفتد. از خود مسأله نبوت هم کسانی سوء استفاده نمودند؛ ادعای نبوت کردند و کسانی را به گمراهی کشاندند. این، دلیل نمی‌شود که ما از این بُعد با این عظمت، به آسانی عبور کنیم. خود این، یک نکته است که مسأله اداره امور اجتماع و مسیر و سرنوشت و آنچه که سازنده دنیای بشر است، چیزی است که به معدن اراده الهی و نصب الهی ارتباط پیدا می‌کند. یک بُعد از این مضمون، این است. بُعد دیگری که من امروز می‌خواستم قدری روی آن تکیه کنم، کلمه و مضمون ولایت است که در ماجرای غدیر تکرار شد: «من کنت مولا فهدا علی مولا». پیامبر اکرم در این ماجرای تاریخی و در این نصب بزرگ، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان کرد. در زبان عربی و زبان‌های دیگر، برای این پدیده‌ای که اسمش حکومت و زمامداری و حکمرانی است - یعنی کسی یا جماعتی که بر یک جامعه حکومت می‌کند و فرمان می‌راند - تعبیرات گوناگونی آورده شده است که هر یک از این تعبیرات، اشاره به جهت خاصی است؛ مثلاً تعبیر حکومت، اشاره به این دارد که آن کسی که در رأس قدرت است، یا آن جماعتی که در رأس قدرتند، حکم می‌کنند و جامعه و افراد مردم، حکم و فرمان آنها را اطاعت می‌کنند. یک تعبیر دیگر، تعبیر سلطنت است که به معنای مسلط بودن و مقتدر بودن و امور را در سلطه خود در آوردن است. در فارسی نیز همین تعبیر وجود دارد؛ مثلاً زمامداری، اشاره به یک جنبه از حکومت است. یا مثلاً حکمرانی و فرماندهی، هر کدام به یک جنبه اشاره می‌کند. در اسلام، بیشتر از همه بر روی کلمه «ولایت» تکیه شده است. هم در اینجا و هم در آیه شریفه «إِنَّمَا وَدَّعْتُمُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (۳۹) پدیده حکومت را با نام «ولایت» بیان کرده است. ولایت، معنای عجیبی است. اصل معنای ولایت، عبارت از نزدیک بودن دو چیز با یکدیگر است. فرض بفرمایید وقتی که دو ریسمان، محکم به هم تائیده می‌شوند و جدا کردن آنها از یکدیگر، به آسانی ممکن نیست، آن را در عربی «ولایت» می‌گویند. ولایت، یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز به صورت مماس و مستحکم با یکدیگر. همه معانی که برای «ولایت» در لغت ذکر شده است - معنای محبت، معنای قیومیت و بقیه معانی، که هفت، هشت معنا در زبان عربی هست - از این جهت است که در هر کدام از اینها، به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف ولایت وجود دارد؛ مثلاً «ولایت» به معنای محبت است؛ چون محب و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و جدا کردن شان از یکدیگر، امکان‌پذیر نیست. اسلام، حکومت را با تعبیر «ولایت» بیان می‌کند و شخصی را که در رأس حکومت قرار دارد، به عنوان والی، ولی، مولا - یعنی اشتقاقات کلمه ولایت - معرفی می‌کند. معنای آن چیست؟ معنای آن، این است که در نظام سیاسی اسلام، آن کسی که در رأس قدرت قرار دارد و آن کسانی که قدرت حکومت بر آنها در اختیار اوست، ارتباط و اتصال و پیوستگی جدایی ناپذیری از هم دارند. این، معنای این قضیه است. این، فلسفه سیاسی اسلام را در مسأله حکومت برای ما معنا می‌کند. هر حکومتی که اینطور نباشد، این ولایت نیست؛ یعنی حاکمیتی که اسلام پیش بینی کرده است، نیست. اگر فرض کنیم در رأس قدرت، کسانی باشند که با مردم ارتباطی نداشته باشند، این ولایت نیست. اگر کسانی باشند که رابطه آنها با مردم، رابطه ترس و رعب و خوف باشد - نه رابطه محبت و التیام و پیوستگی - این ولایت نیست. اگر کسانی با کودتا بر سر کار بیایند، این ولایت نیست. اگر کسی با وراثت و جانشینی نسبی - منهای فضایل و کیفیات حقیقی که در حکومت شرط است - در رأس کار قرار گیرد، این ولایت نیست. ولایت، آن وقتی است که ارتباط والی یا ولی، با مردمی که ولایت بر آنهاست، یک ارتباط نزدیک، صمیمانه، محبت‌آمیز و همانطوری که در مورد خود پیامبر وجود دارد - یعنی «بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (۴۰) یا «بعث منهم»؛ «از خود آنها کسی را مبعوث کرده است» - باشد؛ یعنی از خود مردم کسی باشد که عهده‌دار مسأله ولایت و حکومت باشد. اساس کار در حاکمیت اسلام این است. البته معیارها سر جای خود محفوظ است. اگر کسی همین ارتباط با مردم را بدون داشتن آن معیارهای واقعی پیدا کرد، این باز هم ولایت نیست و این ملاک‌ها را ندارد؛ اگر چه ممکن است بُعد دیگری را داشته باشد. پس، علاوه بر آن معانی حقیقی که وجود دارد، حکومت در اسلام، حکومت ولایتی است و ولایت یعنی حکومت، که با این تعبیر لطیف و متناسب با شخصیت و شرافت انسان بیان شده است. در اسلام، چون افراد جامعه و افراد انسان، در حساب سیاسی اسلام به حساب می‌آیند، در واقع همه چیز مردمند. مردم هستند

که شخصیت و خواست و مصالح و همه چیز آنها، در نظام سیاسی اسلام به حساب می‌آید. آن وقت، ولایت الهی، با چنین حضوری از مردم معنا می‌دهد. حقیقت ولایت الهی این است: ارتباط با مردم. لذا شما می‌بینید امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) که مظهر ولایت اسلام و مصداق کامل ولیی است که برای مردم مشخص شده است، در هیچ برهه‌ای، از این حالت ارتباط و اتصال و انسجام با مردم خالی نبوده است. نه در دورانی که او را عملاً از حکومت کنار گذاشتند و مردم را از او به عنوان ارتباط حکومتی جدا کردند؛ یعنی عملاً حکومت را از او گرفتند، ولایت و حکومت و فرماندهی و حکمرانی که در اسلام، از آن به «ولایت» تعبیر می‌شود و حق او بود از او سلب کردند - البته ولایت معنوی، آن چیزی که در امامت تشیع فرض شده است و وجود دارد، در هر حال هست و بسته به ولایت ظاهری نیست - و نه در دوره‌های دیگر، از ارتباط و اتصال با مردم خالی نبوده است. در همان وقت هم امیرالمؤمنین یکی از آحاد ملت و جزو مردم است. منزوی و منعزل و کناره جوی از مردم نیست. آن وقتی هم که به حکومت می‌رسد، یک حاکم به تمام معنا و مردمی است. این چیزی است که در نظام جمهوری اسلامی، در حد بالایی تجربه شد. نظام مقدس جمهوری اسلامی، قدرت خود را از همین معنا گرفته است. مسؤولان و زمامداران امور کشور، به تمام معنی کلمه، با مردم مرتبط و متصلند. هم از لحاظ عاطفی با مردم یکی هستند؛ یعنی عواطف مردم، با مسؤولان نظام جمهوری اسلامی پیوند خورده است و به آنها محبت می‌ورزند، و هم از لحاظ فکری، مرتبط با مردمند؛ یعنی نماینده طرز فکر ملت ایرانند. البته در هر ملتی ممکن است افکار شاذی از لحاظ اعتقادی و دینی وجود داشته باشد که برخلاف نظر اکثریت مردم باشد؛ لیکن آن چیزی که نمودار ملت ایران است، در مسؤولان کشور تجلی و ظهور پیدا کرده است. در واقع، مسؤولان کشور، مظهر رسمی و کامل تفکر ملت ایرانند. این، نکته بسیار مهمی است. مردم در همه مراحل، با نظام سیاسی جمهوری اسلامی، احساس پیوستگی و جوش خوردگی می‌کنند. با یکدیگر جوش خورده‌اند، با هم اند، جدایی ناپذیرند. نظام سیاسی اسلام، قدرت خود را از این گرفته است. (۴۱)

غدیر مصداق عینی ولایت

روز عید غدیر «عید ولایت» نامیده می‌شود. نام‌گذاری درستی است؛ روزی است که مفهوم ولایت اسلامی به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک مصداق روشن و عینی پیدا کرد. برای کسانی که می‌خواهند از الگوی انسان طراز اسلام، نمونه‌ای ذکر کنند، بهترین نمونه همان کسی است که آن روز نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، او را به الهام الهی و به دستور پروردگار عالم، برای منصب عظیم ولایت، معین فرمود. معنای ولایت و مفهوم عظیمی که در روز عید غدیر، مصداق مشخصی پیدا کرد، یکی از نکات اساسی است که برای جامعه اسلامی ما و صاحبان فکر، نقطه حساسی است و جا دارد روی آن تأمل کنند. وقتی که در نظامی، ولی الله - کسی مثل پیغمبر اکرم یا امیرالمؤمنین - در رأس نظام قرار دارد، آن جامعه، جامعه ولایت است؛ نظام، نظام ولایت است. ولایت، هم صفتی است برای منصبی که نبی اکرم و جانشینان او از سوی پروردگار، حائز آن بوده‌اند، هم خصوصیتی است برای آن جامعه اسلامی که در سایه آن حکومت، زندگی می‌کند و از پرتو آن بهره می‌گیرد. من این نکته را بارها عرض کرده‌ام، امروز هم می‌خواهم بر روی همان نکته تکیه کنم؛ برای اینکه مسائل زندگی، مسائل سرنوشت ساز و وظیفه مهم ملت اسلام، وابسته به همین نکات اساسی و زیربنایی است. (۴۲)

غدیر، مضمونی متعلق به همه مسلمانان

اگرچه ارتباط قلبی ما شیعیان با واقعه غدیر، ارتباط مستحکم و برجسته‌ای در دنیای اسلام است، ولی حقیقت این است که مسأله غدیر در محتوا و روح حقیقی خود فقط متعلق به شیعیان نیست بلکه به همه دنیای اسلام تعلق دارد. چون حادثه غدیر برخاسته از روح و مضمون حقیقی اسلام است. اینکه خدای متعال به پیغمبر اکرم - با آن همه مجاهدت‌ها - حدود هفتاد روز قبل از وفاتش

بفرماید که «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ (۴۳) «آنچه را که به تو دستور دادیم، به مردم برسان و اگر نرسانی، رسالت خود را انجام نداده‌ای»، نشان دهنده این است که روح و مضمون حقیقی اسلام در واقعه غدیر وجود دارد. دو مطلب در غدیر هست: یکی تعیین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه الصلاة والسلام) است و دیگری آن معیارهایی است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بیان علت و فلسفه تعیین امیرالمؤمنین در خطبه غدیر بیان می‌فرماید. این حرکت بزرگ و تاریخ ساز، یعنی نصب امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) متکی به ملاک‌هایی است و این کار، مفهومی دارد. اگرچه ولایت یک امر سیاسی است، اما همه مضمون ولایت در سیاست خلاصه نمی‌شود. این ولایت، پرتوی از ولایت ذات مقدس پروردگار است. این ولایت، ناشی از حضور ولایت الهی در وجود امیرالمؤمنین است، همچنان که در وجود پیامبر مکرم اسلام بود. این ولایت، فرعی از آن اصل و میوه‌ای از آن ریشه است. لذا از آن به «ولایت» تعبیر شده است. ولایت در حقیقت به معنای پیوند، ارتباط و اتصال است. آن کسی که منصوب به این مقام است، برخلاف حکام و فرمانروایان عالم، فقط یک فرمانروا یا یک سلطان و یک حاکم نیست بلکه یک ولی است، به مردم نزدیک است، به آنها پیوسته است و مورد اتکای دل و جان مردم است. این معنا در امیرالمؤمنین و در ائمه معصومین علیهم السلام وجود دارد. بعد از دوران حضور ائمه هم اگر پرتوهای ضعیفی از این حقیقت در جایی پیدا شود، ولایت در آنجا شکل می‌گیرد. حقیقت و معنای واقعی امر این است، لذا نبی اکرم در بیان صفات امیرالمؤمنین می‌فرماید: «اعدلکم فی الرعیة؛ او عادل‌ترین شما در بین مردم است». هم عدالت درونی و معنوی و فردی امیرالمؤمنین مراد است و هم عدالت رفتاری و عدالت اجتماعی او. اینها چیزهایی است که در زبان به آسانی می‌شود بیان کرد، اما در تحقق و تبلور در عمل است که انسان به عظمت این حقیقت و کسانی که تجسم این حقیقت بوده‌اند، پی می‌برد. عدالت به معنای واقعی کلمه در وجود امیرالمؤمنین، در رفتار او، در تقوای او و در توجه او حضور دارد. در رفتار بیرونی او هم عدالت تجسم پیدا می‌کند. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام نمی‌توانیم پیدا کنیم. این است که نبی اکرم او را به امر پروردگار و با نصب الهی به مردم معرفی و به مقام ولایت منصوب می‌کند. این یک حقیقت اسلامی است. این کجا و اینکه کسی معتقد باشد که هر ظالمی با هر شیوه و رفتار بازیگرانه‌ای توانست زمام قدرت را در دست بگیرد، مردم باید از او اطاعت کنند، کجا؟! این اسلام است یا آن؟! لذا مسأله غدیر با این مضمون والا متعلق به همه مسلمان‌هاست، چون به معنای حاکمیت عدل، حاکمیت فضیلت و حاکمیت ولایت الله است. (۴۴)

غدیر، نور هدایت، برای همه و همیشه

حوادث بزرگ و مقاطع تاریخی، برای همه شیوا و مهم و درس آموز است، نه فقط برای کسانی که در آنها حضور داشتند؛ چون حادثه بزرگ شروع یک حرکت و آغاز یک راه و بهار یک مجموعه از زندگی جامعه و انسان است. شاید اکثر آن کسانی هم که در ماجرای بیعت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) گرد آن بزرگوار را گرفتند و با او بیعت کردند و پای فشردند و فداکاری نمودند، واقعه غدیر و به طریق اولی ظهور اسلام و جنگ‌های امیرالمؤمنین را ندیده بودند. اما اسلام و هدایت و نور آن فقط برای کسانی نیست که در آن وقت حضور داشتند، بلکه برای همه و برای همیشه است: «وَأَخْرَيْنَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ» (۴۵) انقلاب اسلامی شروع یک راه پر افتخار و سعادت بخش بود. (۴۶)

مفهومی الهام بخش و نجات دهنده

یک عده هستند که تصور می‌کنند می‌شود ملتی مسلمان بود؛ اما به احکام اسلامی عمل نکرد! این تصور، معنایش جدایی دین از سیاست است. معنایش این است که اسم تان مسلمان باشد، اما به احکام اسلامی عمل نکنید و سیستم بانکداری، اقتصاد، آموزش و

پرورش، شکل و محتوای حکومت و ارتباطات فرد و جامعه تان، به خلاف اسلام و طبق قوانین غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی باشد. البته این، در مورد کشورهای است که قانون دارند؛ اگرچه طبق اراده و خواست یک انسان قاصر و ناقص باشد. امروز در بعضی کشورهای اسلامی، حتی قانون هم نیست؛ حتی قانون غیر اسلامی هم وجود ندارد و اراده اشخاص مهم است. در رأس قدرت یک نفر نشسته است و دستور می‌دهد: این طوری شود، آن طوری شود. نمی‌شود که ما فرض کنیم عده‌ای مسلمانند، اما از اسلام فقط نماز، روزه، طهارت و نجاست و امثال این چیزها را دارند. در جوامعی که می‌خواهند مسلمان باشند، اسلام باید حاکم باشد. غدیر، این پیام را داشت. امروز بسیاری از جوامع، چوب عدم اعتقاد به این معنا را می‌خورند. ببینید ماجرای غدیر، اینجا چقدر می‌تواند الهام بخش باشد! نکته دوم این است که بعضی از کشورهایی که به نحوی خودشان را مقید به احکام اسلامی نشان می‌دهند، برای مسائل شان، به آیه و روایتی استناد می‌کنند؛ چهار نفر عمّامه به سر را هم به خدمت می‌گیرند، برای اینکه در جایی برایشان فتوایی بدهند و کاری کنند. این کشورها، اگرچه به ظاهر چیزی مثل حاکمیت اسلامی دارند، اما حاکمیت اسلامی با ارزش‌ها و معیارهای نبوی و علوی، علم و تقوا، عدالت، عبودیت خدا و خشیت الهی و «ترتعد فرائسه فی المحراب» که روش انبیا و اولیا و مقرب‌ترین افراد به خدا بوده است، در جامعه شان مطرح نیست. اگر تعبيرات تندتر و واضح‌تری نخواهیم بکنیم، آنها یک عده آدم‌های دور از دینند. پس، غدیر یک مفهوم مترقی و نجات‌بخش است. ولایت در اسلام یک مفهوم عالی است. این را باید بفهمند. شیعه باید به ولایت افتخار کند و غیر شیعه هم سعی کند آن را بشناسد. بحث علمی و دانستن که دعوا ندارد. بدانند که اصلاً این موضوع چیست. (۴۷)

غدیر، مایه وحدت اسلامی

همین مسأله غدیر هم می‌تواند مایه وحدت باشد؛ همچنان که مرحوم آیت الله شهید مطهری مقاله‌ای با عنوان «الغدیر و وحدت اسلامی» دارد. او کتاب الغدیر را - که درباره مسائل مربوط به غدیر است - یکی از محورهای وحدت اسلامی می‌داند که درست هم هست. ممکن است به نظر عجیب بیاید، اما واقعیت مطلب همین است. خود مسأله غدیر، غیر از جنبه‌ای که شیعه آن را به عنوان اعتقاد قبول کرده است - یعنی حکومت منصوب امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) از طرف پیامبر که در حدیث غدیر آشکار است - اصل مسأله ولایت هم مطرح شده است. این دیگر شیعه و سنی ندارد. اگر امروز مسلمانان جهان و ملت‌های کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، بسیاری از راه‌های نرفته و گره‌های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد گشت. مسأله حکومت و نظام سیاسی و حاکمیت سیاسی، یکی از دشوارترین مسائل برای کشورهاست. بعضی کشورها دچار استبداد و دیکتاتوری اند؛ بعضی دچار حکومت‌های فاسدند؛ بعضی دچار حکومت‌های ضعیفند؛ بعضی دچار حکومت‌های دست‌نشانده‌اند. اگر حکومت اسلامی به معنای حقیقی - یعنی همان ولایت - به عنوان شعار برای مسلمانان مطرح شود، علاج ضعف را هم می‌کند؛ علاج اقتصاد را هم می‌کند؛ علاج دست‌نشانده‌گی را هم می‌کند؛ علاج دیکتاتوری را هم می‌کند. بنابراین، پرچم ولایت، یک پرچم اسلامی است. من از همه برادران شیعه و سنی در کشور خودمان دعوت می‌کنم - فعلاً آن محدوده جغرافیایی خودمان را مطرح می‌کنم - که به مسأله غدیر با این چشم نگاه کنند و این بخش از حدیث غدیر و مسأله غدیر را مورد توجه قرار دهند. برادران سنی ما هم مثل ما روز غدیر را عید بگیرند؛ عید ولایت. برای اینکه اصل تولد مسأله ولایت، اهمیتش بسیار زیاد است؛ مثل اهمیت ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) که این دیگر بین ما و برادران سنی مشترک است. هم در دوران بعد از پیروزی انقلاب و هم پیش از پیروزی انقلاب، همیشه عقیده من بر این بود که امروز شیعه و سنی باید اختلافات دیرین خود را در تعامل روزمره خودشان کنار بگذارند. (۴۸)

غدیر و رشد و هدایت جهان اسلام

خود حادثه غدیر هم، دارای ابعاد بسیاری است. حقیقتاً مسلمین عالم می‌توانند از همین حادثه، وسیله‌ای برای رشد و هدایت وافی و کامل همه جهان اسلام پیدا کنند. هیچ کس هم وقوع این حادثه و صدور آن کلمات را از نبی مکرم اسلام منکر نشده است. مثل چنین روزی، در آن موقعیت مهم و حسّاس که پیغمبر اکرم (علیه و علی آله الصلاه و السلام)، آخرین ماه‌های حیات مبارک خود را می‌گذراند، امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) را به ولایت - یعنی سرپرستی مسلمین - و به حکومت - یعنی مدیریت جامعه اسلامی - نصب فرمود. ولایتی که در اینجا مورد نصب و محلّ اشاره پیغمبر اسلام قرار گرفته، صرفاً آن ولایت کلیه الهیه معنوی که مبتنی بر عناصر دیگری است، نیست. بلکه یک امر الهی و یک فرمان آسمانی و ملکوتی است که با این بیان تشریحی نبوی که فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» قابل نصب و جعل نیست. این بیان پیغمبر که ولایت را به امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) سپرد، مبین نصب تشریحی است و به معنای حکومت، مدیریت جامعه اسلامی و ولایت امر مسلمین است که البته با ولایت کلیه الهیه که در وجود مقدّس پیغمبر و ائمه هدی علیهم السلام وجود داشت، همراه است. آن ولایت به آن معنا، در ائمه‌ای هم که به ولایت ظاهری نرسیدند وجود داشت. ولایتی که از آن امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) و منصوب پیغمبر بود ولایت سیاسی بود. همان معنایی که ذات اقدس پروردگار آن را به وسیله پیغمبر اکرم در اسلام به وجود آورد و جعل کرد، و با آن معلوم شد که اسلام در ردیف والا-ترین احکام و مقررات خود، مسأله حکومت و ولایت و سرپرستی امت را دارد. اگر کسی از این بُعد به موضوع غدیر نگاه کند، بسیاری از اشتباهاتی که متأسفانه در طول قرن‌ها در اذهان وجود داشته است، باید برای او زایل شود. (۴۹)

طرح کلی اسلام برای هدایت انسان‌ها

غدیر را فقط در حدّ یک نصب یا معرفی ساده که پیغمبر اکرم کسی را معرفی کرد، تلقی نکنید. البته پیغمبر، امیرالمؤمنین را در حضور جمع چند ده هزار نفری مسلمان‌ها به خلافت منصوب کرد. در این تردیدی نیست و این مطلبی نیست که فقط شیعه آن را نقل کند. حادثه غدیر را برادران اهل سنت ما و محدّثان آنها در کتاب‌های خود با همان خصوصیات که شیعه نقل می‌کند، نقل کرده‌اند. این چیزی نیست که کسی بتواند آن را انکار کند؛ اما قضیه در این حدّ متوقّف نمی‌ماند. مسأله این است که از دوران حضرت آدم که رشته نبوت‌ها و رسالت‌ها شروع شد و بارها و بارها حکومت‌های نبوی در طول تاریخ تشکیل گردید - مثل سلیمان و داود و کسان دیگری از بنی اسرائیل تا زمان پیغمبر ما - آنجایی که ترکیب بدیع و شیوای دین و سیاست در اوج خود به صورت یک سنت ماندگار درآید و هدایت جامعه را تضمین کند، در قضیه غدیر اتفاق افتاد. لذا در همین دعای ندبه‌ای که عرض کردم، می‌خوانیم: «فَلَمَّا انْقَضَتْ آيَامُهُ وَوَلَّيَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ». چقدر خوب است که ما به معارفی که به برکت هدایت اهل بیت علیهم السلام اینطور ارزان در اختیار افکار ما قرار گرفته است، با دقت و تأمل توجه کنیم. دعای ندبه - همان طور که عرض کردم - یک خطبه غزاست و تاریخچه این فکر و ریشه این حرکت را از دوران رسالت‌ها بیان می‌کند. اگر دقت کنید، در این دعا هیچ نقطه اختلاف انگیزی بین شیعه و سنی - که جنگ تاریخی برافروخته شده به دست انسان‌های با انگیزه‌های مختلف است - وجود ندارد و مسأله امامت و ولایت به صورت استدلالی بیان می‌شود. «اذ كان هو المنذر و لكل قوم هاد»؛ یعنی پیغمبر دارای مقام رسالت و انذار و تبشیر است؛ آغاز کننده یک راه و باز کننده افق در مقابل بشریت است. اما پیغمبر، ابدی و دائمی نیست. جوامع، هدایت کننده لازم دارند. این هدایت کننده را اسلام پیش بینی کرده است: معصومین در نسل‌های متعدّد پشت سر هم بیایند، زمام امور را به دست گیرند، جامعه را با تعلیمات قرآنی ناب و خالص در طول چند نسل و چند قرن هدایت کنند و در واقع همه افکار و خصوصیات و رفتارها و خلیقات اسلامی را در جامعه اسلامی

نهادینه کنند. البته بعد از آن، باز حجت خدا در میان مردم زنده می‌ماند؛ چون دنیا و بشریت بدون قیام حجت امکان ندارد؛ اما بشریت راه خود را پیدا می‌کرد، که این البته اتفاق نیفتاد. نقشه و طرح کلی اسلام این است و این معنای غدیر است. (۵۰) درس‌های غدیر غدیر خم، برای کسانی که اهل معنا و معنویت و درک حقایقند، درس‌های فراوان و بی‌نهایت و فوق‌العاده‌ای دارد. برای ما نیز، درس صفا و معنویت و تقوا در مدیریت کشور و همه بازوهای گرداننده و اجرایی دارد. ما باید این درس را از غدیر بگیریم و مطمئناً در این راه، دست قدرت الهی، کمک و پشتیبان ماست. اراده الهی بر این است که در این برهه از زمان، ان شاء الله کلمه حق پیروز بشود و اسلام جایگاه برجسته خودش را در دنیا پیدا کند و این تلاش‌های دشمنان هم، به جایی نخواهد رسید. (۵۱)

درس فراموش نشدنی غدیر

... با مطرح کردن امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) و با نصب آن بزرگوار برای حکومت، معیارها و ارزش‌های حاکمیت، معلوم شد. پیغمبر در قضیه غدیر، کسی را در مقابل چشم مسلمانان و دیدگان تاریخ قرار دادند که از ارزش‌های اسلامی، به طور کامل برخوردار بودند. یک انسان مؤمن؛ دارای اعلای تقوا و پرهیزکاری؛ فداکار در راه دین؛ بی‌رغبت نسبت به مطامع دنیوی؛ تجربه شده و امتحان داده در همه میدان‌های اسلامی؛ میدان‌های خطر؛ میدان‌های علم و دانش؛ میدان قضاوت و امثال اینها؛ یعنی با مطرح شدن امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به عنوان حاکم و امام و ولی اسلامی، همه مسلمانان در طول تاریخ باید بدانند که حاکم اسلامی، انسانی که از آن ارزش‌ها نصیبی ندارند؛ از فهم اسلامی، از عمل اسلامی، از جهاد اسلامی، از انفاق و گذشت، از تواضع و فروتنی در مقابل بندگان خدا و آن خصوصیت‌هایی که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) داشتند، بهره‌ای نداشته باشند، شایسته حکومت کردن نیستند. پیغمبر، این معیار را در اختیار مسلمانان گذاشتند. و این، یک درس فراموش نشدنی است. (۵۲)

درس غدیر در دو قلمرو اساسی

بدون شک روز «عید غدیر» اهمیت بسیاری دارد. در روایات ما وارد شده که عظمت این روز، حتی از روز «عید فطر» و روز «عید قربان» هم بیشتر است. نه اینکه از اهمیت آن دو عید عظیم اسلامی چیزی کم بشود، بلکه به خاطر اینکه این عید حاوی یک مضمون والا-تر است. اهمیت این عیدی که طبق روایات ما برترین اعیاد است، در همین است که متضمن موضوع ولایت است. شاید بتوان گفت که هدف از همه زحماتی که پیغمبر اکرم و بزرگان دین و انبیاء الهی (علیهم الصلاة والسلام)، متحمل شده‌اند، استقرار ولایت الهی بوده است. گویا در روایتی از امام صادق (علیه الصلاة والسلام) است که در مقام هدف جهاد فی سبیل الله - مجموعه تلاش‌هایی که برای دین می‌شود - فرموده‌اند: «لیخرج الناس من عبادة الله و من ولاية العبيد الى ولاية الله؛ هدف این است که انسان‌ها را از ولایت بندگان و بردگان - با معنای وسیعی که این کلمه دارد - خارج سازند و به ولایت الله نائل کنند». منتها در موضوع عید غدیر، این نکته هم وجود دارد که در باب ولایت، دو قلمرو اساسی هست: یکی قلمرو نفس انسانی است که انسان بتواند اراده الهی را بر نفس خودش ولایت بدهد و نفس خود را داخل ولایت الله کند. این، آن قدم اول و اساسی است و تا این نشود، قدم دوم هم تحقق پیدا نخواهد کرد. جانب و مرحله دوم این است که محیط زندگی را در ولایت الله داخل کند، یعنی جامعه، با ولایت الهی حرکت کند. هیچ ولایتی - ولایت پول، ولایت قوم و قبیله، ولایت زور، ولایت سنت‌ها و آداب و عادات غلط - نتواند مانع از ولایت الله شود و در مقابل ولایت الله عرض اندام کند. آن نکته‌ای که عرض کردم بالخصوص در این روز وجود دارد، این است که کسی که در این روز معرفی شده؛ یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین، مولای متقیان (سلام الله علیه)، در هر دو منطقه ولایت، یک الگو و شخصیت ممتاز است. هم در ولایت بر نفس خود و به مهار کشیدن نفس خود - که عرض کردیم این همان بخش اصلی است - و هم در الگویی که او برای حکومت اسلامی و ولایت الهی از خود نشان داد و تثبیت کرد، در تاریخ

نمونه‌ای است که هر کس بخواهد ولایت الهی را بشناسد، نمونه اتم و الگوش آنجاست. آنچه امروز برای ما به عنوان درس باید مطرح شود - بخصوص که جلسه ما عمدتاً از کسانی متشکل است که به نحوی در نظام ولایت اسلامی مسؤولیت و دخالت و شأنی دارند - این است که در این دو منطقه ولایت که مولا - و محبوب ما علی بن ابی طالب (علیه الصلاة والسلام) در آن درخشیده و کلمه کلمه سخن او و قدم قدم حرکات او می‌تواند برای هر کس درس باشد، حقیقتاً مشغول تلاش و مجاهدت شویم. یک مسأله، مسأله استقرار ولایت الله در جامعه است. البته این ولایت، در دنیای امروز، دشمنان زیادی دارد که صریحاً با آن دشمنی می‌کنند. از روز اول هم داشت؛ مخصوص امروز نیست. علت آن هم معلوم است که چرا دنیا با جامعه‌ای که براساس قیومت و ولایت و حکومت الهی می‌خواهد اداره شود، مخالف است؟ در این باره صحبت شده است و همه چیز تقریباً روشن است. طبیعتاً کسانی که پایه گذاران و پایه‌های چنین نظامی محسوب می‌شوند، باید سعی کنند هر ساعت از ساعات کار و تلاششان، نسبت به ساعات قبل، به آن الگوی اصلی نزدیک‌تر شود. این درس غدیر است برای ما، در درجه اول. (۵۳)

انقلاب اسلامی، تداوم راه غدیر

امروز انقلاب اسلامی فرصت دوباره‌ای است که به بشریت داده شده است. این بیداری اسلامی یک فرصت دوباره است. از این فرصت‌ها در طول تاریخ پیش آمده، منتها کم؛ در طول تاریخ اسلام هم پیش آمده، باز هم کمتر. در دریای متلاطمی از امواج گوناگون مادی و نابودی ارزش‌های اخلاقی و معنوی، ناگهان این کشتی مستقر ثابت نجات دهنده - کشتی اسلامی با ناخدایی اسلام و با رهبری قرآن، ظاهر شده و انسان‌ها را به سمت خودش دعوت کرده است. بحث یک حادثه کوچک نیست. یک ملت به این کشتی نجات چسبیده‌اند و ملت‌های دیگر هم دیدند که یک ملت چگونه می‌تواند از زیر بار حکومت زور و فساد و وابستگی و دنباله‌روی طاغوت‌ها و مستکبران عالم، با پیروی از سفینه نجات اسلام، نجات پیدا کند. همه بدانند و بخصوص جوان‌ها بیشتر توجه کنند؛ امروز آوازه و نشانه‌ها و انعکاس‌های بسیار مؤثر و کارآمد فریاد انقلاب در دنیا بسیار عمیق شده است. البته از تبلیغات مخالفانی که از فریاد اسلام به وحشت افتاده‌اند، انتظاری نیست که این بازتاب‌های جهانی را منعکس کنند. آنها عکسش را منعکس می‌کنند؛ لیکن حقیقت قضیه این است که عرض می‌کنم: تا اعماق جان انسان‌ها - آن هم در چهار گوشه عالم؛ نه فقط در دنیای اسلام - بازتاب حرکت ملت ایران منعکس شده است. در بسیاری از کشورها - و در کشورهای اسلامی، بیشتر - جوان‌ها به ندای اسلام دل بسته‌اند. در دوره قبل از انقلاب اسلامی و قبل از تشکیل حکومت اسلامی در اینجا، این دلبستگی وجود نداشت. این تداوم راه غدیر است. این مطرح کردن یک خط روشن برای بشریت است تا در سایه این خط روشن، هر چه زودتر به آن سرانجامی که همه پیغمبران مژده‌اش را داده‌اند، برسد. همه پیغمبران و مصلحان عالم این نوید را به بشریت داده‌اند که یک روز نجات خواهد یافت. (۵۴)

ولایت امام خمینی، پرتوی از چشمه فروزنده خورشیدی غدیر

امروز وقتی به دنیای اسلام نگاه می‌کنید، می‌بینید که بیداری مسلمانان در همه نقاط مسلمان نشین عالم و در کشورهای اسلامی به برکت بیداری ملت ایران است، و ملت ایران به برکت رهبری امام بزرگوار - که جان خود را به میدان آورد، سینه خود را در مقابل تیرهای دشمن سپر کرد و صادقانه حرف زد و صادقانه عمل کرد - پا در این میدان عظیم گذاشت. دنیایی که می‌خواهد ملل مسلمان را ذلیل ببیند، ملت ایران به برکت رهبری شجاعانه و مخلصانه‌ای که امام بزرگوار نشان داد، عزت خودشان را بر اینها تحمیل کردند. ولایت امام (رضوان الله علیه) پرتوی از چشمه فروزنده خورشیدی غدیر بود؛ لذا توانست این همه آثار را به وجود بیاورد، ملت را بیدار کند، ایران را بازسازی معنوی و مادی بکند. (۵۵)

بیست و دوم بهمن در حکم عید غدیر

بیست و دوم بهمن، عید حقیقی برای ملت ماست. بیست و دوم بهمن، برای ملت ما در حکم عید فطری است که ملت در آن، از یک دوران روزه سخت خارج شد؛ دورانی که محرومیت از تغذیه معنوی و مادی را بر ملت ما تحمیل کرده بودند. بیست و دوم بهمن، در حکم عید قربان است؛ زیرا در آن روز و به آن مناسبت بود که ملت ما اسماعیل‌های خودش را قربانی کرد. بیست و دوم بهمن، در حکم عید غدیر است؛ زیرا در آن روز بود که نعمت ولایت، اتمام نعمت و تکمیل نعمت الهی، برای ملت ایران صورت عملی و تحقق خارجی گرفت. (۵۶)

ضرورت استفاده حداکثری از غدیر

ما، بخصوص کسانی که پای‌بند به غدیریم، مسأله غدیر را اساس اعتقادات خود می‌دانیم. اصلاً شیعه، مسأله غدیر را پایه و ریشه عقاید شیعی خود می‌داند. ما باید از این قضیه حد اکثر تبعیت و استفاده و پیروی را بکنیم. در دوران طاغوت - که روز عید غدیر معمول بود - می‌خواندیم: «الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و الائمة عليهم السلام» این تمسک به ولایت، آن روز در اعتقادات و عواطف بود؛ اما در عمل که ولایتی نبود. در عمل ولایت طاغوت بود؛ ولایت استکبار بود؛ ولایت دشمنان دین بود. آن روز دوستان ما می‌خواندند: «اللهم اجعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين» یعنی از خدا می‌خواستند که متمسک به ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) باشند. امروز این دعا مستجاب شده است. ملت ایران، امروز با نظام اسلامی که به تدبیر امام بزرگوار، از حاق قرآن و دین استخراج شد و در این کشور به اجرا درآمد، به ولایت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) تمسک کرده است. این تمسک را باید هرچه بیشتر کنیم. اساس کار تمسک به ولایت هم، تمسک به ارزش‌های اسلامی است. هرچه را که در اسلام ارزش است، باید درصدد باشید در عمل جذب کنید. چه ارزش‌های فردی - مثل آنچه که به رابطه و علقه هر کس با خدای خود ارتباط پیدا می‌کند. (۵۷)

مسئولیت مسؤلان در قبال غدیر

امروز ما - هم مسؤلانمان، هم مردمان - در قبال مسأله غدیر مسؤلیم. مسؤلان کشور باید سعی کنند اعمال و رفتار و حرکات و سکنات و برنامه‌ریزی‌هایشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که با هدف‌های اسلام - که همان هدف‌های غدیر است - تطبیق کنند. اگرچه همه دنیا، بخصوص کمپانی‌های صهیونیستی و قدرتمندان و زر سالاران عالم، ناراحت شوند و هجمه تبلیغاتی کنند، باکی نیست. امروز پایه انقلاب مستحکم است و این توفان‌ها نمی‌تواند این بنای شامخ را متزلزل کند. از چه چیزی می‌ترسند؟ ملاحظه چه چیزی را می‌کنند؟ بعضی کسان در برنامه‌ریزی‌هایشان، در اجرای شان، در تصمیم‌گیری‌هایشان، در حرف زدن‌هایشان و در موضع‌گیری‌هایشان، دائماً مواظبند که نکند فلان رادیوی گوشه دنیا - که به فلان دستگاه جاسوسی وابسته است - علیه این صحبت یا علیه این شخص حرفی بزند! خوب؛ بزند. امروز پیام اسلام، پیام جذابی است. پیام ما، پیام عدالت است؛ پیام ما، پیام نجات انسان‌ها و نجات جوان‌هاست. وقتی ما اسم جوان را می‌آوریم، فقط به جوان‌های جامعه خودمان نگاه نمی‌کنیم. امروز نسل جوان در دنیا غرق در بدبختی و نابسامانی است. رنج‌ها، فشارهای روحی و عصبی و ابهام آینده، امروز نسل‌های جوان را در سرتاسر دنیا بر اثر دوری از معنویت، زیر فشار قرار می‌دهد. مسؤلان، به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه این و آن، هم موضع‌گیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل کنند. مردم عزیزمان و بخصوص جوان‌ها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر ترسیم کرده، یک راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه مستحکمی

ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم‌المرتلی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجه مردم جهان - بخصوص کشورهای اسلامی - هستیم. راه، راه خوش عاقبت و روشنی است؛ با تلاش مسؤولان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه مدت نیست، اما همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که ان شاء الله زمینه‌های ظهور مهدی موعود (صلوات الله علیه و عجل الله فرجه) را فراهم خواهد کرد. (۵۸)

دو مفهوم مهم غدیر

آنچه که امروز بنده مناسب می‌بینم در باب مسأله غدیر به شما برادران و خواهران که مسؤولین کشور هستید و همچنین به ملت عزیزمان با اختلاف مذاهبی که دارند - و امت بزرگ اسلامی عرض کنم، این است که غدیر، واقعیتی است که اتفاق افتاده است و مفهومی هم دارد که ممکن است یک نفر این مفهوم را درک کند یک نفر دیگر، درک نکند. ما که شیعه هستیم، معنای غدیر را همان چیزی می‌دانیم که در طول این هزار و چهارصد سال بازگو کرده‌ایم، تحقیق کرده‌ایم، نوشته‌ایم و آن را در جان و دل خودمان ثبت و ضبط کرده‌ایم. دیگران و بقیه فرق اسلامی هم، هر کدام نظرات خودشان را دارند. در مورد ماجرای غدیر، دو چیز هست که جامعه ایرانی و همه شیعیان در نقاط مختلف عالم و کشورهای گوناگون، باید آنها را با هم مورد توجه قرار دهند. یکی این است که اعتقاد به غدیر، ولایت و امامت - که رکن اصلی مذهب شیعه است - باید مثل بقیه مباحث مهم کلامی، مایه اختلاف بین مسلمانان نشود. نه شیعه و نه غیر شیعه از فرق اسلامی، نسبت به این مسأله این حالت حساسیت را به وجود نیاورند که در میان خودشان اختلاف و تفرقه بیندازند؛ چون این چیزی است که دشمن می‌خواهد. حالا قضیه غدیر - که قضیه مهم و بزرگی است - دشمنان اسلام حتی از قضایای کوچک مربوط به هر یک از فرق و جماعات اسلامی، می‌خواهند برای ایجاد اختلاف استفاده کنند. به کشورهای اسلامی نگاه کنید! همه جا وسایل برای تفرقه افکنی هست. یک عده هم، حقیقتاً در این بین، سرشان کلاه می‌رود؛ یعنی فریب می‌خورند، بازی می‌خورند و بازچه دست دشمن می‌شوند. امروز امت اسلامی، باید متحد باشد. نقاط اتحاد و اجتماع زیادی هست که همیشه باید آنها را در نظر داشته باشیم. مطلب دومی که باید مورد نظر باشد، اصل خود مفهوم حدیث غدیر و حادثه غدیر است که باید مغفول عنه واقع نشود. ما البته به همه فرق اسلامی این سفارش را می‌کنیم، نه اینکه فقط به شیعه بخواهیم بگوییم «آقا غدیرت را فراموش نکن!» ما به همه فرق اسلامی می‌گوییم: «مبانی تان را فراموش نکنید». در اینجا به شیعه تأکید می‌کنیم که بر اندیشه و فکر غدیر، تکیه کند. این، یک فکر مترقی است. اگر ما می‌گوییم «اتحاد اسلامی» و پایش هم می‌ایستیم (ما با همه قدرت، پای موضوع وحدت اسلامی، در مقابل دشمنان وحدت‌ایستاده‌ایم) نباید تصور شود که این مفهوم مهم، مترقی، اصلی و نجات‌بخش اسلامی، یعنی مفهوم ولایت و غدیر را فراموش خواهیم کرد. موضوع غدیر نباید فراموش شود؛ چون مسأله خیلی مهمی است. (۵۹)

فهرست منشورات غدیر

سلسله مباحث یادمان غدیر نام کتاب نویسنده / مترجم صفحه قطع غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۷۲ وزیری آیات غدیر علی اصغر رضوانی ۷۲ رقعی پیروان غدیر در گذر تاریخ علی اصغر رضوانی ۹۶ رقعی پیمان شکنان و وفاداران غدیر علی اصغر رضوانی ۹۶ رقعی ره یافتگان به سوی غدیر علی اصغر رضوانی ۸۰ رقعی ضرورت غدیر علی اصغر رضوانی ۷۲ رقعی عوامل دوری مسلمانان از غدیر علی اصغر رضوانی ۷۲ رقعی غدیر از آدم تا خاتم علی اصغر رضوانی ۱۱۲ رقعی غدیر در بیان صاحب غدیر علی اصغر رضوانی ۷۲ رقعی غدیر محور وحدت اسلامی علی اصغر رضوانی ۶۴ رقعی مفهوم غدیر علی اصغر

رضوانی ۱۰۴ رقی غدیر نام کتاب نویسنده / مترجم صفحه قطع اتحاد ملی انسجام اسلامی در آموزه‌های غدیر علی اصغر رضوانی ۱۶۰ رقی غدیر در گذر تاریخ علی تقوی دهکلانی ۸۸ رقی غدیر حقیقتی بر گونه تاریخ رضا فرهادیان ۵۶ رقی فرهنگ غدیر جواد محدثی ۶۵۶ وزیری ندای ولایت در اولین کنگره غدیر بنیاد بین المللی غدیر قم ۸۰ پالتویی ندای ولایت در دومین کنگره غدیر بنیاد بین المللی غدیر قم ۸۴ پالتویی ندای ولایت در سال نوآوری و شکوفایی حسین احمدی ۴۸ پالتویی ندای ولایت و مهدویت حسین احمدی ۹۴ رقی غدیر خم (آذری لاتین) علی اصغر رضوانی ۴۸ پالتویی غدیر خم (روسی) علی اصغر رضوانی ۴۶ پالتویی

پی نوشتها

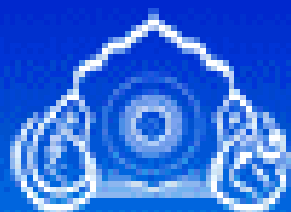
(۱) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیر خم (۲۴/۱۲/۱۳۷۹) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم (۳۰/۱۲/۱۳۸۱) سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیان استان های تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن (۴۰۴/۱۱/۱۳۶۸) سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیان استان های تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن (۵۰۴/۱۱/۱۳۶۸) سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیان استان های تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن (۶۰۴/۱۱/۱۳۶۸) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» (۷/۱۸/۱۳۸۳) سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، (۸/۲۰/۴/۱۳۶۹) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» (۹/۳/۸/۱۳۷۳) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم (۱۰/۱/۱۲/۱۳۸۱) سوره بقره، آیه ۱۲۹. (۱۱) سوره بقره، آیه ۱۵۱. (۱۲) سوره زمر، آیه ۳۰. (۱۳) بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدس (۱۴/۶/۱۰/۱۳۷۹) سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، (۱۵/۴/۱۰/۱۳۷۰) سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، (۱۶/۴/۱۰/۱۳۷۰) سوره زمر، آیه ۳۰. (۱۷) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان کشوری و لشکری، به مناسبت «عید غدیر» (۱۸/۱۹/۳/۱۳۷۲) بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدس (۱۹/۶/۱۰/۱۳۷۹) بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدس (۲۰/۶/۱۰/۱۳۷۹) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیر خم (۲۱/۲۴/۱۲/۱۳۷۹) سوره مریم، آیه ۱۲. (۲۲) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیر خم (۲۳/۲۴/۱۲/۱۳۷۹) بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام (۲۴/۲۹/۱۰/۱۳۸۴) بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق علیه السلام (۲۵/۲۹/۱۰/۱۳۸۴) بیانات در دیدار مردم پاک دشت، در سالروز عید سعید غدیر (۲۶/۱۰/۱۱/۱۳۸۳) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» (۲۷/۱۸/۲/۱۳۸۳) سوره حدید، آیه ۲۵. (۲۸) سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، (۲۹/۴/۱۰/۱۳۷۰) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیر خم (۳۰/۳/۱۳۷۱) سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش آموزان و فرهنگیان استانهای تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت

احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸ (۳۱) سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش‌آموزان و فرهنگیان استانهای تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸ (۳۲) سوره مائده، آیه ۶۷ (۳۳) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۱۸/۲/۱۳۷۵ (۳۴) سوره انفال، آیه ۷۲ (۳۵) سوره آل‌عمران، آیه ۱۰۳ (۳۶) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۱/۷/۱۳۷۷ (۳۷) سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۰/۴/۱۳۶۹ (۳۸) سوره مائده، آیه ۶۷ (۳۹) سوره مائده، آیه ۵۵ (۴۰) سوره آل‌عمران، آیه ۱۶۴ (۴۱) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۶/۲/۱۳۷۶ (۴۲) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۱/۷/۱۳۷۷ (۴۳) سوره مائده، آیه ۶۷ (۴۴) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم ۱/۱۲/۱۳۸۱ (۴۵) سوره جمعه، آیه ۳ (۴۶) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۸۱ (۴۷) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران، به مناسبت «عید غدیر خم» ۲۸/۲/۱۳۷۴ (۴۸) بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدس ۶/۱۰/۱۳۷۹ (۴۹) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۳/۸/۱۳۷۳ (۵۰) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیر خم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹ (۵۱) سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۲۰/۴/۱۳۶۹ (۵۲) سخنرانی در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر، ۴/۱۰/۱۳۷۰ (۵۳) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان کشوری و لشکری، به مناسبت «عید غدیر» ۱۹/۳/۱۳۷۲ (۵۴) بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضاعلیه السلام در مشهد مقدس ۶/۱۰/۱۳۷۹ (۵۵) بیانات در دیدار مردم پاک دشت، در سالروز عید سعید غدیر ۱۰/۱۱/۱۳۸۳ (۵۶) سخنرانی در دیدار با جمعی از علما، مسؤولان و مردم شهرهای لاهیجان و رباط کریم، جمعی از دانش‌آموزان و فرهنگیان استانهای تهران و کرمان و مازندران، رئیس و مسؤولان سازمان ثبت احوال، جمعی از مسؤولان و مدیران سازمان مسکن ۰۴/۱۱/۱۳۶۸ (۵۷) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» ۳/۸/۱۳۷۳ (۵۸) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال روز عید سعید غدیر خم ۲۴/۱۲/۱۳۷۹ (۵۹) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران، به مناسبت «عید غدیر خم» ۲۸/۲/۱۳۷۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب

بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

